خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی: با رویکرد الگوی معادلات همزمان

اسماعیل امیری[1]
حسین فخاری[2]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۲

چکیده:

نقش حسابرسی در تعیین کیفیت گزارشگری مالی با اظهارنظر حسابرس تحقق می‌یابد. لذا، همواره این احتمال وجود دارد که حسابرس از جهت منافع شخصی، در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و اهداف گزارشگری مالی صاحبکار را برای رسیدن به منافع خود دنبال کند. همچنین، مدیران به‌منظور جلوگیری از پیامدهای نامطلوب اقتصادی گزارشگری مالی در بازار سرمایه، اقدام به فعالیت متقلبانه خرید اظهارنظر حسابرس می‌کنند تا کیفیت پایین صورت‌های مالی را پنهان کنند. چنین پدیده‌ای می‌تواند بیانگر اثرمتقابل بین خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی باشد.

به همین دلیل، پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از الگوی معادلات همزمان اثر متقابل فوق را مورد آزمون قرار دهد. جامعه آماری پژوهش شامل اطلاعات مالی ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که به‌صورت داده‌های تابلویی در طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷ با روش رگرسیون به‌ظاهر نامرتبط مورد آزمون قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اثر دوسویه‌ای معکوس و معناداری میان خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بورسی وجود دارد. این نتایج می‌تواند برای حسابرسان و همچنین نهادها و سازمان‌های سیاست‌گذار مفید باشد.

واژه‌های کلیدی: خرید اظهارنظر حسابرس، کیفیت گزارشگری مالی، تئوری نمایندگی، معادلات همزمان.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده مسئول، رایانامه: esmaeilamiri303@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: h.fakhari@umz.ac.ir

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

مقدمه

خریـد اظهارنظر حسابرس از چالش برانگیزترین حوزه‌هـای مطالعاتی در حوزه حسابرسی و حسابـداری اسـت و به‌شدت از سوی نهادهـای نظارتی (کمیسیون بـورس و اوراق بهادار امریکا، ۱۹۸۸،[1] هیئـت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام امریکا،[2] ۲۰۱۳) مورد انتقاد و بحث جدی قرار گرفته اسـت. زیرا، از یک جهت می‌تواند نشان‌دهنده انگیزه‌هایی باشد، که حسابرسان را تشویـق می‌کنـد که به‌جای توجه به منافـع سرمایه‌گذاران به منافع صاحبکـاران توجه کنند. و از سـوی دیگـر می‌تواند نشان‌دهنـده انگیزه‌هایی باشد که مدیـران را وادار می‌کند تا به دنبال خریـد اظهارنظر مطلوب از حسابرسان باشنـد. بدیهی است که چنین اقدامی بر کیفیت اطلاعات صورت‌هـای مالی تأثیـر می‌گذارد و از قابلیت اتکای صورت‌های مالـی می‌کاهد (ژی و همکاران، ۲۰۱۰).[3]

اساساً "مطابق با تئوری نمایندگی"، خرید اظهارنظر حسابرس به تلاش مدیران اطلاق می‌شود که در جستجـوی حسابرسانی هستند تا از اظهارنظر نامطلوب آنها درباره کیفیت پایین اطلاعات صورت‌هـای مالی جلوگیری نمایند (کمیسیون بورس و اوراق بهـادار امریکا، ۱۹۸۸). زیرا انتظار می‌رود، اظهارنظری کـه حسابرسان درباره صورت‌های مالی صاحبکار ارائه می‌کنند بر تصمیمات اقتصـادی استفاده‌کنندگان اثرات زیادی داشته باشد. به‌گونه‌ای که استفاده‌کنندگان، به اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده اعتماد کرده و انتظارات خود را بر اساس منافع اقتصادی آتی از سرمایه‌گـذاری و یا توانایـی بازپرداخت اصل و فرع دیون، تبین می‌کنند. این جریان مسئله نشان می‌دهد کـه اظهارنظر حسابرس می‌تواند سرمایه‌گـذاران و اعتباردهندگان را از طریق مشکلاتی کـه بر تفسیر اطلاعات حسابداری تأثیر می‌گذارنـد، آگاه کند و باعث اعتباربخشی به صورت‌های مالی شود.

همچنیـن، مطالعات انجام شده در حوزه حسابداری نیز بیانگـر چنین کارکردی از اظهارنظر حسابرسـان می‌باشـد، برای مثال، فلیک و ویلسـون (۱۹۹۴)[4] در پژوهش خـود نشان دادند که اظهارنظر نامطلوب حسابرس به کاهش قیمت سهام منجر می‌شود؛ شاید به این دلیل که، نظرات آنها ورشکستگی قریب‌الوقوع را نشان می‌دهد (چن و چارچ،۱۹۹۶)[5] و همچنین شرکت در جذب منابع سرمایه با دشواری مواجه است (فرت، ۱۹۸۰).[6] همچنین ادبیات حسابرسی نشان می‌دهند که اظهارنظر نامطلوب حسابرس باعث کاهش پاداش یا منجر به تغییر مدیریت می‌شود (لینوکس، ۲۰۰۲).[7] بالتبـع بازار سرمایه نیـز تحت تأثیر رفتار اظهارنظر حسابرسـان قرار می‌گیرد؛ چرا که کیفیـت اطلاعاتی که روانـه بازار می‌شود، می‌تواند بر حفظ موقعیـت شغلی و بازار تخصصی کار

1. Securities and Exchange Commission
2. The Public Company Accounting Oversight Board
3. Xie
4. Fleak& Wilson
5. Chen& Church
6. Firth
7. Lennox

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

مدیریـت تأثیر بسزایـی داشته باشد و به همین خاطر است که مدیران درصدند تا کیفیت ضعیف گزارشگـری مالـی را از طریق روش‌های خاص بـا تبانی با حسابرسان پنهـان نگه‌دارند. و جهت دست‌یابـی بـه اظهارنظر مطلوب حسابـرس، تلاش‌های بی‌حد و حصری را انجـام می‌دهند یا به عبارتـی دیگر، به دنبال خریـد اظهارنظر حسابرس باشند. به بیان دیگر، مدیران به‌منظور اجتناب از اظهارنظـر نامطلوب حسابرس (کمیسیون بورس و اوراق بهادار، ۱۹۸۸) حسابرس را تحت فشار قرار می‌دهند تا مطابق با خواسته‌هایشان رفتار کنند تا به اظهارنظر خود بهبود بخشند (لینوکس، ۲۰۰۰). امـا اینکـه چگونه مدیـران به این امر دسـت می‌یابند و یا چه شرایطـی باعث می‌شود کـه به‌راحتی حسابرسان به خواسته‌های اهداف نامطلـوب گزارشگری مالی مدیران پاسخ دهند؟ سؤالاتـی هستند که در ادبیـات حسابداری و حسابرسی (مک‌کئون و همکـاران،[1] ۱۹۹۱، لوروز، ۱۹۹۸،[2] لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، باربادیلو[3] و همکاران، ۲۰۰۶، چوی[4] و همکاران، ۲۰۱۶، چن[5] و همکاران، ۲۰۱۸، گارسیااوسما[6] و همکاران، ۲۰۱۸) از طریق پژوهش‌های انجام شده است به نوعی پاسخ داده شده است، به گونه‌ای که برآیند همه آنها بیانگر این مطلب است که وقوع خرید اظهارنظـر حسابـرس اهداف خاص گزارشگری مطلوب مدیران را دنبـال کرده (کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا، ۱۹۹۸) و انتظار می‌رود متعاقب آن کیفیت گزارشگری مالی کاهش یابد.

در خصـوص اثر معکوس و دوسویه‌ای میان خرید اظهارنظـر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی، دلایل متعددی در ادبیات حسابرسی و حسابداری وجود دارد:

دلیل اول مربوط به هزینـه نمایندگی (دویدسون و همکارن، ۲۰۰۵، دی‌اندرس[7] و همکاران، ۲۰۰۷، تافلـر[8] و همکاران، ۲۰۰۴، لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳) است. بدین معنی که مدیران در پی حسابرسانـی هستند که در انجام کارشان ملایم‌تر هستند. احتمالاً به این خاطر است که این نوع حسابرسـان موارد تخلف در صورت‌هـای مالی را نادیده بگیرند و گـزارش نکنند، بعبارتی دیگر، کیفیت پایین صورت‌های مالی را پنهان نگه دارند.

دلیل دیگر مربوط به پدیده عدم‌تقارن اطلاعاتی است. بدین معنی که مدیران از طریق دست‌یابی در بهبود در اظهارنظر حسابرس، میزان عدم‌تقارن اطلاعاتی (آمیهود و مندلسون،۱۹۸۶[9]، دیاموند و ورچیـاف،[10] ۱۹۹۱، ایزلی و اوهـارا،۲۰۰۴[11]، گلستن و میلگروم،[12] ۱۹۸۵) را برای دست‌یابی به

1. McKeown
2. Louwers
3. Barbadillo
4. Choi
5. Chen
6. Garcia Osma
7. DeAndrés
8. Taffler
9. Amihud & Mendelson
10. Diamond & Verrecchia
11. Easley & O'Hara
12. Glosten & Milgrom

اهداف و منافع خود تشدید می‌کنند. برای مثال مدیران، به‌منظور پنهان کردن ضعف عملکرد خود در پـی تغییر حسابرس یا حفظ حسابرس فعلی هستند تا با متقاعد کردن حسابرس به اظهارنظر مطلوبی دست یابند.

ازسـوی دیگر، سطح ریسک‌پذیری حسابـرس نیز دلیل دیگری برای وقـوع خرید اظهارنظر می‌باشـد. به این معنا کـه مدیران به‌منظور حداقل کـردن اختلاف‌نظـر در بکارگیری رویه‌های حسابـداری مربـوط به گزارشگری مالـی، ترجیح می‌دهند در جستجـوی حسابرسانی باشند که محافظه‌کاری کمتری داشته باشند و براحتی به خواسته‌های آنها تن دهند (دویدسون[1] و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکارن، ۲۰۱۸). چرا که انتظار می‌رود قبول این رویه‌ها توسط حسابرسان، ریسک دادخواهی زیادی را برای آنها به دنبال داشته باشد.

عـلاوه بر ایـن، جریان گسترده‌ای از ادبیـات حسابداری (بوشمن و اسمیـت، ۲۰۰۱[2]، هیلی و پالپـو،[3] ۲۰۰۱، واتـز،[4] ۲۰۰۳، بـال و شیواکومـار،[5] ۲۰۰۵) استدلال کردند کـه کیفیت پایین گزارشگـری مالی، میزان عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌هـای نمایندگی ناشی از انتخاب نامطلوب و خطـر اخلاقی را افزایش داده و از کارایی سرمایه‌گـذاری می‌کاهد، جریانی که منجر به افزایش مشکـلات بیـش از حد در جـذب تأمین منابع مالـی شرکت‌ها می‌شود. لـذا از آنجایی که نتایج نامطلـوب گزارشگری مالـی، اخبار بدی برای تأمین‌کنندگان سرمایـه شرکت است (هولمستروم و تیـرول، ۱۹۹۳).[6] مدیـران نیز درصدد هستند تا با تحت فشار قـرار دادن حسابرسان به اهداف گزارشگـری مالی به‌ظاهر مطلوب دسـت یابند (لینوکس، ۲۰۰۰) تا کیفیـت نامطلوب اطلاعات حسابـداری را بهبود بخشند، بعبارتی دیگر، به دنبال بهبود در اظهارنظر حسابرس از طریق خرید اظهارنظـر حسابرس هستند. این ادبیات نشان می‌دهد که اثـرات متقابلی بین خرید اظهارنظر و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد.

وجود چنین چالش‌های نظری به همراه تاکید دولت بر استمرار سیاست خصوصی‌سازی حرفه حسابرسـی و همچنیـن افزایش سریع رقابت در بازارهای حسابرسـی ایرانی به همراه انگیزه‌های مدیریتـی سبب شده‌اند تا در سال‌هـای اخیر شاهد فعالیت متقلبانه خریـد اظهارنظر حسابرس باشیـم. به‌گونـه‌ای که در سال‌های اخیر تعـداد اخطارهای انظباتی جامعـه حسابداران رسمی و دادخواهی‌های قضایی ذینفعان در ایران افزایش یافته است.

بـه همین سبب و با توجه به چالش‌های نظری و تئوریکی موجود در خصوص اثر متقابل بین خریـد اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی، ایـن پژوهش با استفاده از الگوی معادلات همزمان درصدد بررسی این موضوع در بازار حسابرسی ایران است.

1. Davidson
2. Bushman& Smith
3. Healy& Palepu
4. Watts
5. Ball& Shivakumar
6. Holmström& Tirole

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

همچنیــن در خصوص اهمیت یافته‌هــای پژوهش حاضر از چندین جهات می‌توان بحث کرد، جنبــه اول مربوط به اثرات اقتصادی پیامدهای نامطلوب خرید اظهارنظر حسابرس است که وقوع آن باعث می‌شود رفتار سرمایه‌گذاران نسبت به پرتفوی دارایی‌هایشان تغییر نماید؛ که به‌نوبه خود قیمت‌های اوراق بهادار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جنبــه دوم اثــرات اجتماعی است که قانون‌گــذاران و سیاست‌گذاران در حــوزه حسابرسی و مقررات بازار سرمایه را وادار خواهد کرد که به‌منظور جلوگیری از عواقب و پیامدهای منفی خرید اظهارنظــر حسابرس بر کیفیت گزارشگری مالی مقرراتی وضع نمایند که اعتماد جامعه نسبت به حرفه حسابرسی و گزارشگری مالی افزایش یابد.

جنبــه سوم ضرورت و اهمیــت پژوهش حاضر به مدیران شرکت‌ها مربــوط می‌باشد؛ چرا که کوتاهــی در انجام وظایــف شغلی و تبانی با حسابرسان باعث از دســت دادن موقعیت شغلی آنها خواهد شد.

جنبــه چهــارم از بابت کاهش شهــرت حسابرســان در جامعه و حرفه خواهد بــود؛ چراکه با سهل‌انگــاری در انجــام وظایف قانونی و آئین رفتــار حرفه‌ای، استقلال آنها خدشــه‌دار شده و با کاهــش کیفیت کار حسابرسی اعتبار آنها در جامعه کــم خواهد شد و آسیب شدیدی به کیفیت اعتبــار صورت‌های مالی شرکت وارد می‌شود. به بیان دیگــر، قابلیت اطمینان دهی و اعتباردهی صورت‌های مالی از بین می‌رود.

از جنبه‌هــای نوآوری این تحقیق کــه آن را از دیگر تحقیقات مشابه در داخل و خارج متمایز می‌ســازد این است کــه برای اولین بار با استفاده از الگوی معادلات همزمان اثر متقابل بین خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی بررسی شده است. جنبه دوم مربوط به این مطلب است که برای اندازه‌گیری هر دوی خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی از شاخص ترکیبی استفاده شده است که در پژوهش‌های گذشته بیشتر به معیارهای تک بُعدی در خصوص اندازه‌گیــری آنها تکیه شده بــود. این مسئله نشان از این دارد کــه شاخص‌های ترکیبی به دلیل داشتن ابعاد بیشتر باعث اندازه‌گیری دقیق‌تر پدیده مورد بررسی خواهند شد. جنبه سوم نوآوری پژوهــش حاضر در این اســت که پژوهش حاضر اولین پژوهشی است کــه پدیده خرید اظهارنظر حسابــرس را با معیارهای کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌هــای پذیرفته شده در بورس اوراق بهــادار تهران مورد بررسی قــرار می‌دهد. بدیهی است یافته‌های پژوهــش حاضر می‌تواند موجب گستــرش ادبیات حسابرسی و حسابداری مرتبط با موضوع پژوهــش در کشورهای با اقتصادهای نوظهور همانند ایران شود.

به‌منظور دست‌یابی به اهداف فوق، ساختار پژوهش به ترتیب زیر نگارش شده است. در بخش پیشینه نظری اثر تئوریکی متقابل بین خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی مورد بحــث قرار گرفته است. در بخش پیشینه تجربی به پژوهش‌های داخلی و خارجی گذشته مربوط به موضوع پژوهش حاضر پرداخته شده است؛ در نهایت با بیان روش پژوهش و ارائه یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری خاتمه یافته است.

مبانی نظری و تدوین فرضیه‌های پژوهش

خرید اظهارنظر حسابرس

خرید اظهارنظر حسابرس، به حالتی اطلاق می‌شود که در آن حسابرس مطابق با خواسته‌های صاحبکار، گزارش حسابرسی را تنظیم می‌نماید و به‌جای توجه به منافع سرمایه‌گذاران به منافع مدیریت که حق‌الزحمه آنها را پرداخت می‌کند، توجه می‌نماید (لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳). اصولاً این وضعیت در شرایطی اتفاق می‌افتد که هزینه نمایندگی وجود داشته باشد (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵). برحسب تئوری نمایندگی (دی‌اندرس و همکاران، ۲۰۰۷، تافلر و همکاران، ۲۰۰۴، لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳)، مدیران برای دستیابی به خواسته‌هایشان، حسابرسان را تحت فشار قرار می‌دهند تا اظهارنظر مطلوبی اخذ نمایند و در صورت عدم اجرای آن، حسابرسان را به این امید که حسابرس جدید تمایل بیشتری به انتشار گزارش مطلوب داشته باشد، تغییر می‌دهند (لینوکس، ۱۹۹۸، تیوه،[1] ۱۹۹۲). در چنین وضعیتی مدیران به دنبال حسابرسی باکیفیت پایین‌تر هستند. لذا حسابرسی باکیفیت پایین‌تر، باعث می‌شود تا کیفیت اطلاعاتی که در بازارهای مالی افشاء می‌شوند، کاهش یابد. در واقع، مدیران با رویکرد فرصت‌طلبانه از نامتقارنی اطلاعات برای منافع خود استفاده می‌کنند. برای مثال، مدیر امکان دارد سود را به‌صورت متورمی گزارش کند تا بتواند پاداش بیشتری مبتنی بر افزایش سود دریافت کند. به این دلیل مدیر خواستار حسابرسی باکیفیت بالاتر نیست. همچنین، خرید اظهارنظر حسابرس می‌تواند تحت تأثیر رویکرد محافظه‌کارانه حسابرسان قرار گیرد. در واقع، در اینجا تمایل مدیر برای تغییر حسابرس به منزله تحریف سود نمی‌باشد. بلکه زمانی تغییر حسابرس اتفاق می‌افتد که مدیران و حسابرسان به‌طور قانونی اختلاف‌نظر دارند و اختلاف آنها ناشی از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌ای است که توسط حسابرس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و ترجیح داده می‌شود. در این مواقع، مدیریت صرفاً خواستار گزارشگری با محافظه‌کارانه کمتر است که عملکرد اقتصادی شرکت را بهتر نشان دهد لذا آنها حسابرسی را انتخاب می‌کنند که محافظه‌کاری کمتری داشته باشد (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵ و چن و همکاران، ۲۰۱۸).

همچنین ممکن است مدیران به دلیل پیامدهای منفی پیش‌بینی‌نشده از اظهارنظر نامطلوب حسابرسان (دی‌اندرس و همکاران، ۲۰۰۸، تافلر و همکاران، ۲۰۰۴، لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، برای دستیابی به خواسته‌هایشان، حسابرسان را تحت فشار قرار دهند تا اظهارنظر مطلوب صادر کنند، در صورت عدم ایفای نقش، آن‌ها حسابرسان را به این امید تغییر می‌دهند که حسابرس جدید تمایل بیشتری به انتشار گزارش مطلوب داشته باشد (لینوکس، ۱۹۹۸، تیوه، ۱۹۹۲). در واقع اینها به معنای رفتارهای است که خرید اظهارنظر حسابرس در آن اتفاق می‌افتد و به استقلال حسابرس آسیب شدیدی می‌رساند (چن و همکاران، ۲۰۱۸، چوی و همکاران، ۲۰۱۹، لو،[2] ۲۰۰۶). به بیان دیگر، فشار مدیران باعث می‌شود که حسابرس نظر مساعدی نسبت

1. Teoh
2. Lu

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

به آنچه که نبوده صادر کند (لینوکس، ۲۰۰۰).

کیفیت گزارشگری مالی و خرید اظهارنظر حسابرس

دلایل زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه مدیران انگیزه دارند تا به‌منظور پنهان‌سازی کیفیت ضعیف گزارشگری مالی به خرید اظهارنظر حسابرس روی آورند. برخی از این دلایل مربوط به منافع شخصی خود مدیران است، خصوصاً هنگامیکه اهداف خود را پایین‌تر از سطح دست‌یابی به پاداش مورد نظر می‌بینند و بلافاصله به افزایش نامتعارف در سود روی می‌آورند تا با یک اهداف برآوردی به پاداش مورد نظر دست یابند (هیلی، ۱۹۸۵، گایدری،[1] ۱۹۹۹). اگرچه تحقق این اهداف هیچ سودی برای سهامداران ندارد اما ضرری معادل پاداش برای آنها به دنبال خواهد داشت.

نظریه انگیزه شخصی مدیران، نشان می‌دهد که مدیران باانگیزه برای رسیدن به نتیجه گزارشگری مالی دلخواه، از استراتژی‌هایی استفاده می‌کنند که به اهداف خود از طریق اظهارنظر مطلوب حسابرسان دست یابند. این تئوری همچنین نشان می‌دهد که مدیران از آزادی کامل در اخذ تصمیمات برخوردار نیستند. در حقیقت، نظریه انگیزه شخصی بیان می‌کند که مدیران برای تصمیم‌گیری خود توجیهاتی به‌ظاهر عینی مطرح می‌کنند تا بتوانند موسسه حسابرسی را ترغیب نمایند تا عملکرد ضعیف آنها را در گزارشگری مالی نادیده بگیرند، تا اهداف گزارشگری محافظه‌کارانه حسابرس همراه با اهداف مدیران در خرید اظهارنظر حسابرس همسو شود (چن و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین، مطابق با تئوری علامت‌دهی، وقتی که صاحبکار می‌خواهد کیفیت یا اعتبار ضعیف صورت‌های مالی خود را پنهان کند و وضعیت مطلوبی از آن را به عموم منتقل یا سیگنال دهد، حسابرسانی را انتخاب می‌کند که اهداف گزارشگری مالی آنها را دنبال کنند (باقرپور و همکاران، ۲۰۱۰)، مسئله‌ای که می‌تواند بازتابی از خرید اظهارنظر حسابرس باشد.

از سوی دیگر، مطالعات متعددی نشان دادند که کاهش کیفیت گزارشگری مالی باعث افزایش تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران می‌شود و میزان عدم‌تقارن اطلاعاتی را بیشتر می‌کند (برگر و ادل،[2] ۱۹۹۸، بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱) و همچنین باعث افزایش هزینه سرمایه (دایاموند و ورچیا، ۱۹۹۱) و افزایش حساسیت جریان نقد سرمایه‌گذاری (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶)[3] می‌شود. همچنین مطالعات پیشین (لینوکس، ۲۰۰۰، گوه و گوپتا،[4] ۲۰۱۰، تانگ، ۲۰۱۱، دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵) نشان دادند که مدیران به‌منظور پنهان کردن کیفیت پایین گزارشگری مالی حسابرسان را تحت فشار (اخراج یا برکناری) قرار می‌دهند تا آنها مطابق با خواسته‌ها و نظراتشان عمل کنند؛ برای مثال، لینوکس (۲۰۰۰) با ارائه شواهدی استدلال کرد صاحبکاران در شرکت‌های ورشکسته به دلیل کیفیت پایین گزارشگری مالی، میزان وابستگی اقتصادی حسابرس را از طریق

1. Guidry
2. Berger& Udell
3. Biddle& Hilary
4. Goh& Gupta

پاداش‌هـا و یا اعطای امتیـازات مالی خاص به خود بیشتر می‌کنند؛ در این مواقع، صاحبکاران در خرید نظر حسابرس، موفق هستند. گوه و گوپتا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای یافتند که مدیران شرکت‌ها در پـی دستیابی به اهداف و پاداش خـود در خرید اظهارنظر حسابرس موفق هستند و بر اثر این عامل کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها کاهش یافته است. در پژوهش دیگری ژی و همکاران (۲۰۱۰) نشـان دادند که کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌هـا پس از اخذ اظهارنظر مطلوب از حسابرس از طریق پرداخت حق‌الزحمه‌های غیرعادی، کاهش یافته است. همچنین این رفتار باعث تشدیـد بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران شده است. در مطالعه‌ای دیگر، دویدسـون و همکـاران (۲۰۰۵) نشان دادند، شرکت‌هایی که در آنهـا خرید اظهارنظر حسابرس صـورت گرفته است، مدیریت سود بیشتری تجربه کرده‌اند و حسابرسان را به‌منظور پنهان کردن عملکـرد نامطلوب شرکـت تغییر داده بودند و به این دلیل کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها کاهـش یافته است. قدر مسلـم چنین پیامدهای منفی خرید اظهارنظـر حسابرس باعث افزایش عدم‌تقـارن اطلاعاتی میان مدیـران و استفاده‌کنندگان می‌شود. بنابرایـن، طبق تئوری‌های فوق انتظـار می‌رود که مدیران برای پیدا کردن راهی کـه کیفیت ضعیف گزارشگری مالی را از طریق اظهارنظر نامطلوب منعکس می‌کند جلوگیری نمایند. در واقع، آن‌ها تلاش بی‌حد و حصری انجام می‌دهند، تا حسابرسان را تحت فشار قرار دهند که با روش‌های فعلی حسابداری توافق و سازگاری داشتـه باشند به بیان دیگر، کیفیت ضعیف گزارشگری مالی شرکت را پنهان کنند. بر این اساس، فرضیه اول به شرح زیر طرح شده است:

فرضیه اول: کیفیت گزارشگری مالی بر خرید اظهارنظر حسابرس اثر معناداری دارد.

خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی

مطابق با تئوری نمایندگی، انتظار می‌رود خرید اظهارنظر حسابرس، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را کاهش دهد؛ و مطابق با این تئوری همواره این احتمال وجود دارد که حسابرسان در راستـای انجام وظایف خود کوتاهی کرده و اهـداف گزارشگری مالی صاحبکار را برای رسیدن به منافـع خود دنبال کنند؛ عملی که مسئولیت اصلی حسابرسان در اعتباردهی به صورت‌های مالی را خدشـه‌دار کرده و پیامدهای نامطلوب اقتصادی بر تصمیمات استفاده‌کنندگان دارد (لینوکس، ۲۰۰۰، لـو، ۲۰۰۶، ژی و همکاران، ۲۰۱۰). در همیـن خصوص، کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکـا (۱۹۸۸) بیان می‌کند هنگامـی که مدیر اهداف گزارشگری مالی خود را همراستا با منافع سرمایه‌گذاران نمی‌بینـد در جستجوی حسابرسانی است که تمایل دارند از روش‌های پیشنهادی حسابـداری شرکـت حمایت کرده و شرکت را در رسیدن به اهـداف گزارشگری مالی خود کمک کنند؛ عملی که سبب می‌شود تا قابلیت اعتماد و کیفیت گزارش‌های مالی از بین رود. این جریان ادبیـات حسابداری و حسابرسـی نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگـری مالی شرکت‌ها بر اساس اهداف و منافع مدیران از طریق ارائه اظهارنظر مطلوب توسط حسابرسان، کاهش می‌یابد.

در این باره، ژی و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که مدیران با استفاده از روش‌های خاص، کیفیت

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

اطلاعـات حسابداری را از طریق تاثیرگـذاری یا حتی دستکاری در تصمیمات حسابرس بی‌اعتبار می‌کننـد. بعبارتی دیگـر، اگر چنین رفتـاری از حسابرسان سر بزند، منجر بـه درجه بالاتری از عدم‌تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خواهد شد و اثر اعتباردهی اظهارنظر حسابرسان بـرای صورت‌های مالی نزد سرمایه‌گـذاران تضعیف خواهد شد. در همیـن خصوص دویدسون و همکـاران (۲۰۰۵) و چن و همکـاران (۲۰۱۸) معتقدند که خریـد اظهارنظر حسابرس از طریق دو رویکـرد فرصت‌طلبانـه و محافظه‌کارانه مدیر باعث کاهش کیفیـت گزارشگری مالی می‌شود. در رویکـرد فرصت‌طلبانه مدیر درصدد است تا با استفاده از توزیع نابرابر اطلاعات به خواسته‌های شخصـی خود نظیر پـاداش بیشتر دست یابد که این رویکرد باعـث کاهش کیفیت حسابرسی و کیفیـت گزارشگری مالی می‌شود؛ زیرا قابلیت اتکای اطلاعات مالی و کیفیت افشای اطلاعاتی که در بازار انتشار می‌یابد؛ کاهش می‌یابد.

امـا در رویکرد محافظه‌کارانه مدیران و حسابرسان درباره روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه اختلاف‌نظـر دارند. چرا که حسابرسـان خواستار گزارشگـری محافظه‌کارانه‌تری به دلیل کاهش ریسـک دادخواهی و یا ریسک تجـاری هستند در حالیکه مدیران صرفـاً خواستار گزارشگری با محافظه‌کـاری در سطح معتدل‌تری هستند؛ لذا آنهـا در جستجوی حسابرسانی هستند که کمتر محافظه‌کار باشند و براحتی به اهداف گزارشگری خود دست یابند (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین، خرید اظهارنظر حسابرس پیامد نامطلوبی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد؛ به طوریکه اعتبار کیفیت اطلاعات حسابداری به حداقل می‌رسد، و عدم‌تقارن اطلاعاتی بـر اساس خواسته‌های مدیران بیشتر تشدید خواهـد شد. به این ترتیب، فرضیه دوم به شرح زیر قابل طرح است:

فرضیه دوم: خرید اظهارنظر حسابرس بر کیفیت گزارشگری مالی اثر معناداری دارد.

پیشینه تجربی پژوهش

ادبیات حسابرسی در بردارنده پژوهش‌های متعددی در خصوص خرید اظهارنظر حسابرس که تنهـا ابعـاد خاصی از موضوعات حسابداری را مورد بررسی قرار داده‌اند، می‌باشد. با توجه به اینکه موضـوع مورد بررسی در این پژوهش از تازگی روش پژوهش (معادلات همزمان) برخوردار است؛ لـذا تحقیق مشابه‌ای در این خصوص وجود ندارد با وجود این، در ادامه به پژوهش‌های مرتبط به موضوع خرید اظهارنظر حسابرس در داخل و خارج پرداخته‌شده است.

لینوکس (۲۰۰۰) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداخت آیا شرکت‌ها در خرید اظهارنظر حسابرس موفق هستند یا نه؟ آن‌ها با مطالعه بر روی شرکت‌های انگلیسی نشان دادند که مدیران بـا تغییر حسابرسـان از اظهارنظر نامطلوب جلوگیری می‌کنند و با ایـن رفتار در خرید اظهارنظر حسابـرس مشارکت می‌کنند. عـلاوه بر این، لینوکس (۲۰۰۰) در پژوهشی دیگر اثر مسئله تداوم فعالیـت بر خرید اظهارنظر حسابرسـان را موردمطالعه قرار داد. یافته‌هـای پژوهش او نشان داد حق‌الزحمـه حسابرسی، اندازه حسابـرس و صاحبکار هیچ رابطه معناداری بـا اظهارنظر راجع به

تداوم فعالیت ندارند. همچنین گزارش حسابرس تحت تأثیر وابستگی به صاحبکار قرار نمی‌گیرد. یافته‌های دیگر نشان داد هنگامی که شرکت‌ها با استراتژی هدفمند، حسابرس جدیدی منصوب می‌کنند کمتر احتمال دارد اظهارنظر نامطلوبی درباره تداوم فعالیت شرکت صادر نماید. این نشان می‌دهد شرکت‌های ورشکسته برای خرید اظهارنظر حسابرس تلاش‌های زیادی را انجام می‌دهند.

همچنین لینوکس (۲۰۰۲) در پژوهشی دیگر اثر کمیته حسابرسی بر خرید اظهارنظر حسابرس را مورد مطالعه قرار داد. یافته‌های پژوهش او نشان داد که کمیته حسابرسی از مشارکت شرکت در خرید اظهارنظر حسابرس جلوگیری می‌کند و کمیته حسابرسی به حفظ یکپارچگی فرآیند گزارش حسابرسی کمک می‌کند.

در مطالعات دیگری، دویدسون و همکاران (۲۰۰۵) ارتباط بین مدیریت سود و خرید اظهارنظر حسابرس با تاکید بر تغییر حسابرس را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که مدیریت سود برای شرکت‌های که خرید اظهارنظر حسابرس داشته‌اند بیشتر است و شرکت‌ها با تغییر حسابرس به اظهارنظر مطلوب دست‌یافته‌اند. در پژوهشی دیگر، تانگ[1] و همکاران (۲۰۱۱) تأثیر جلوگیری از زیان و حق‌الزحمه غیرعادی را بر رفتار مدیران در خرید اظهارنظر حسابرس مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد با افزایش حق‌الزحمه غیرعادی، بهبود در اظهارنظر حسابرس افزایش یافته است. همچنین شرکت‌ها با محافظه‌کاری در گزارشگری زیان در دو سال متوالی، بهتر توانستند در خرید اظهارنظر حسابرس موفق باشند.

نیتون[2] و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی خود به بررسی اینکه چه میزان مشتریان موسسه‌های حسابرسی در خرید اظهارنظر موفق هستند؟ و آیا رقابت بازار حسابرسی به این موضوع کمک می‌کند؟ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مشتریان در خرید اظهارنظر موفق هستند و خرید اظهارنظر عمدتاً در بازارهایی که در آنها رقابت حسابرسی زیاد است بیشتر رخ می‌دهد؛ همچنین آنها نشان دادند که با اخراج حسابرسان خرید اظهارنظر، بیشتر اتفاق می‌افتد.

چن و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی اثر تغییر حسابرس بر خرید اظهارنظر حسابرس را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که شرکت برای اجتناب از اظهارات نامطلوب تداوم فعالیت به تغییر حسابرس روی می‌آورند و تغییر حسابرس منجر به بهبود اظهارنظر شده است. همچنین آنها یادآوری کردند که خرید اظهارنظر حسابرس رویکردی فرصت‌طلبانه نیست بلکه انگیزه اطلاعاتی دارد.

علی‌رغم وجود تحقیقات متنوع خارجی درباره خرید اظهارنظر حسابرس، در داخل کشور مطالعات محدودی مرتبط با موضوع پژوهش انجام شده که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود:

آقایی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی رابطه بین تعدیل اظهارنظر حسابرس و زمان‌بندی افشای اطلاعات را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد شرکت‌هایی که افول در اظهارنظر حسابرسی را تجربه کرده‌اند، گزارش‌های مالی خود را دیرتر از سال قبل منتشر می‌کنند

1. Tang
2. Newton

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

و ایـــن رابطه به‌اندازه تغییر در اظهارنظر حسابرسی ارتباط دارد. اما شواهدی مبنی بر تأثیر بهبود در اظهارنظر حسابرسی بر به‌موقع بودن سود یافت نشد.

پیـــری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی ارتبـــاط بین کیفیت گزارشگری مالی و نوع اظهارنظر حسابرس را مورد آزمون قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد پایداری سود و کیفیت افشاء بـــا نوع اظهارنظر حسابرس رابطه معناداری دارند؛ ولی کیفیت اقلام تعهدی و دقت اطلاعات مالی با نوع اظهارنظر حسابرس رابطه معناداری ندارد. آن‌ها دلیل این نتایج را به معیارهای حسابرسان که بر اساس استانداردهای حسابرسی رسیدگی و اظهارنظر می‌کنند، ربط دادند.

حاجی‌ها و ابراهیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی تأثیر نوع اظهارنظر و بهبود در اظهارنظر حسابرس بـــر قیمت و حجـــم معاملات سهام را مورد بررســـی قراردادند. نتایج پژوهش آنهـــا نشان داد، نوع اظهارنظر رابطه مثبتی با قیمت و حجم معاملات سهام شرکت‌ها دارد. همچنین بهبود در اظهارنظر حسابرس رابطه مثبتی با قیمت و حجم معاملات سهام دارد. به‌طور کلی نتایج بیانگر این است که گزارش‌های حسابرسی دارای محتوای اطلاعاتی است و سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود، به نوع و تغییر در اظهارنظر حسابرسی توجه دارند.

صفرزاده و بیگ‌پناه (۱۳۹۵) در پژوهشی بهبود در اظهارنظر حسابرس مستقل و به‌موقع بودن گزارش‌های مالی سالانه را بررسی کردند. محققین دریافتند که بهبود و شدت بهبود در اظهارنظر حسابـــرس بـــر زمان گزارشگری مالـــی تأثیرگذار است. به‌طور کلی، نتایج نشـــان داد که بهبود در اظهارنظر حسابرسی، تسریع در گزارشگری مالی را در پی دارد.

خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تأثیر تغییرات اظهارنظر حسابرس بر به‌موقع بودن افشـــا را بررسی کردند. نتایج بدست آمده نشان داد، تغییر در اظهارنظر حسابرس بر به‌موقع بودن افشـــا تأثیرگذار است؛ به‌طوری کـــه، بهبود اظهارنظر حسابرس سبب افزایـــش به‌موقع بودن افشا (کاهش تأخیر گزارشگری مالی) و بدتر شدن اظهارنظر حسابرس سبب کاهش به‌موقع بودن افشا (افزایش تأخیر گزارشگری مالی) می‌شود. آن‌ها در نهایت به این نتیجه رسیدند که تغییر اظهارنظر حسابرس باعث بهبود در گزارشگری مالی می‌شود.

امیـــری و فخاری (۱۳۹۹) در پژوهشی به ارائه شاخص ترکیبی برای سنجش خرید اظهارنظر در شرکت‌هـــای ایرانی دست یافتند. آن‌ها وقوع خرید اظهارنظر را از طریق ترکیب هفت شاخص، محاسبـــه کرده و به وزن هریک از این شاخص‌هـــا در اندازه‌گیری خرید اظهارنظر رسیدند، که در پژوهش حاضر نیز از شاخص ترکیبی آنها جهت سنجش خرید اظهارنظر استفاده شده است.

مرور ادبیات مربوط به پیشینه پژوهش نشان داده است که علیرغم وجود ارتباط دو سویه بین خرید اظهارنظر و کیفیت گزارشگری مالی، پژوهشی تاکنون به بررسی این موضوع نپرداخته است. بر همین اساس در این پژوهش درصددیم تا به بررسی اثر متقابل بین این دو متغیر بپردازیم.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهــش حاضر به لحاظ نتیجه از نوع کاربردی است. وداده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی موجــود در سایت‌های کدال استخراج شده است. جامعه آمــاری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شــده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای انتخــاب جامعه غربالگری شده محدودیت‌های زیر اعمال شده است:

- قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۳۹۷ نماد آنها از تابلو معاملات حذف نشده باشد.
- بــه لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنهــا منتهی به پایان اسفندماه باشد و شرکت‌ها طی دوره زمانی پژوهش، تغییر سال مالی نداده باشند.
- داده‌های مورد نیاز این پژوهش موجود باشد.
- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک و بیمه نباشند.

پــس از اعمال شرایط فوق تعداد ۱۲۷ شرکت به‌عنــوان جامعه آماری غربالگری شده انتخاب شد.

الگوی انتخاب مناسب برای مدل

به‌منظــور آزمــون تجربی فرضیه‌های پژوهش، بــه تدوین مدلسازی با استفــاده از فن الگوی معــادلات همزمان پرداخته شــده است. زیرا، مطابق با ادبیات حسابرسی و حسابداری مالی اثر دو سویه‌ای و متقابل میان خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. به همین خاطــر، از رابطه‌های رگرسیون‌های چندگانه با لحاظ متغیرهای درون‌زایی و برون‌زایی که هر یک در معــادلات نقش مشابهی را بازی می‌کنند، بهره گرفته‌شــده است. برای روشن‌تر شدن موضوع الگوی معادلات همزمان، روابط زیر را در نظر بگیرید:

$$Y_{it} = \pm + {}^{2}{}_{1}Z_{it} + {}^{2}{}_{2}X_{i1} + \mu_{it} \qquad (۱)$$

$$Z_{it} = {}' + \gamma_1 Y_{it} + \gamma_2 X_{i2} + v_{it} \qquad (۲)$$

در مــدل اول، متغیر Y_{it} درونزا، متغیر Z_{it} برون‌زا و متغیر X_{i1} توضیحی می‌باشند. در مدل دوم، Z_{it} درون‌زا، Y_{it} بــرون‌زا و X_{i2} توضیحــی می‌باشند. در این الگــو، متغیر Y_{it} در مدل اول درون‌زا در و در مــدل دوم متغیــر دوم برون‌زا است و متغیــر Z_{it} در مدل دوم درون‌زا و در مدل اول نقش برون‌زا را بازی می‌کند. یک الگوی با خواص فوق را معادلات هم‌زمان می‌نامند. بعبارتی دیگر، در معادلات همزمان متغیر وابسته هر مدل متغیرهای برون‌زای مدل دیگر است (افلاطونی، ۱۳۹۷). در ایــن پژوهــش مطابق با الگوی رگرسیونی مدل‌هــای (۱) و (۲) و ادبیات حسابرسی و پژوهش‌هــای گذشتــه همانند فلیک و ویلســون (۱۹۹۴) چن و چــارچ (۱۹۹۶)، فرت (۱۹۸۰)، لینوکس (۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، دویدسون و همکاران (۲۰۰۵)، لو (۲۰۰۶)، باربادیلو و همکاران

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

(۲۰۰۴)، دی‌فونـد و ژانـگ[1] (۲۰۱۴) و چـن و همکاران (۲۰۱۵) مدل‌هـای (۳) و (۴) به‌منظور تاثیرگذاری اثر متقابل بین کیفیت گزارشگری مالی و خرید اظهارنظر حسابرس تدوین شده است.

مطابـق بـا انگیزه‌های اطلاعاتـی (چن و همکـاران، ۲۰۱۸) و دیدگاه عدم تقـارن اطلاعاتی (دویدسون و همکـارن، ۲۰۰۵) و رویکرد فرصت‌طلبانه مدیر (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکـاران، ۲۰۱۸) انتظـار می‌رود که کیفیـت پایین گزارشگری مالی شرایـط خرید اظهارنظر حسابـرس را بوجـود آورد. بدین منظور مطابق با مدل (۱) و به‌منظور آزمون فرضیه اول مدل (۳) به شرح زیر تدوین شده است.

$$OP_Shopping_{it} = \beta_0 + \beta_1 FRQ_{it} + \beta_2 X_{i1} + \mu_{it} \qquad (۳)$$

در مـدل (۳)، متغیـر $OP_Shopping_{it}$ درون‌زا، متغیر FRQ_{it} برون‌زا اسـت. همچنین، به‌منظـور آزمون فرضیه دوم مطابق با مـدل (۲) الگوی رگرسیونی به‌منظور تأثیر خرید اظهارنظر حسابرس بر کیفیت گزارشگری مالی به شرح مدل (۴) تدوین شده است. انتظار می‌رود مطابق با مسئلـه نمایندگی (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵) و رویکرد محافظه‌کارانه (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵، چـن و همکاران، ۲۰۱۸) هنگامیکه شرکت‌ها به رفتار متقلبانه خرید اظهارنظر حسابرس روی می‌آورند، بلافاصله کیفیت گزارشگری مالی آنها کاهش یابد.

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP_Shopping_{it} + \gamma_2 X_{i2} + \mu_{it} \qquad (۴)$$

در مدل (۴)، متغیر FRQ_{it} درون‌زا، متغیر $OP_Shopping_{it}$ برون‌زا است.

پـس از تشریح متغیرهـای درون‌زا مطابق با الگوی رگرسیونـی (۳) و (۴)، متغیرهای برون‌زا مطابـق با پژوهش‌های پیشین (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران،۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۵، گارسیااوسمـا و همکاران، ۲۰۱۸) متغیرهای توضیحی مدل‌هـا با توجه به تحقیقات فوق همانند انـدازه شرکت، اهـرم مالی، بازده دارایی‌ها، تأمین مالی، عملکـرد مالی، رشد فروش، عمر شرکت و جریـان وجـوه نقد عملیاتی شرکت انتخـاب شدند که تدوین نهایی مـدل رگرسیونی با الگوی معادلات همزمان به شرح زیر می‌باشد:

$$OP_Shopping_{it} = \beta_0 + \beta_1 FRQ_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 LOSS_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۵)$$

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP_Shopping_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۶)$$

1. DeFond& Zhang

که در آن:

$OP_Shopping_{it}$: خرید اظهارنظر حسابرس شرکت i در سال t

FRQ_{it}: کیفیت گزارشگری مالی شرکت i در سال t

$Size_{it}$: اندازه شرکت i در سال t

LEV_{it}: اهرم مالی شرکت i در سال t

$Growth_{it}$: رشد فروش شرکت i در سال t

$LOSS_{it}$: زیان شرکت i در سال t

AGE_{it}: عمر شرکت i در سال t

CFO_{it}: جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت i در سال t

ε_{it}: خطای مدل شرکت i در سال t هستند.

بـرای بـرآورد الگوی معادلات فوق می‌تـوان از رویکردهای متفاوتی استفـاده کرد. ۱- روش تـک معادلـه‌ای ۲- روش سیستمی که روش‌های برآورد آنها متفـاوت می‌باشد (سوری، ۱۳۹۰). متداول‌تریـن روش‌های حل معادلات همزمان، روش‌های رگرسیونی حداقل مربعات دو مرحله‌ای و سه مرحله‌ای و همچنین رگرسیون به ظاهر نامرتبط است که آخری زمانی استفاده می‌شود که بین جزء خطای معادلات ارتباط و یا همبستگی همزمان وجود داشته باشد.

اصـولاً حل معادلات همزمـان نیازمند تبین شرط درجه‌ای و رتبه‌ای معادلات می‌باشد. که به ایـن عمل "تشخیص فرم ساختاری معادلات" گفته می‌شود. برای تعیین شرط درجه‌ای معادلات همزمان از قاعده زیر استفاده می‌شود:

الـف- اگر $1-K-k< m$ باشد، سیستم الگوی معـادلات کم مشخص است. که امکان ضرایب ممکن نیست.

ب- اگر $1-K-k= m$ باشد، سیستم الگوی معادلات دقیقاً مشخص است.

ج- اگر $1-K-k> m$ باشد، سیستم الگوی معادلات بیش مشخص است.

امکان ضرایب وجود دارد ولی بیش از یک جواب متصور است.

در این قواعد:

K: تعداد کل متغیرهای برون‌زا در تمامی معادلات الگوی همزمان

k: تعداد متغیرهای برون‌زای ارائه شده در هر معادله الگوی همزمان

m: تعداد متغیرهای دورن زای هر معادله است.

همچنین برای تبین شرط رتبه‌ای لازم است که حداقل یکی از دترمینان‌های ماتریس ضرایب غیرصفر باشد. تا بتوان به جواب قابل قبول رسید، که در این پژوهش به همین صورت بوده است.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

الف- متغیرهای درون‌زا و برون‌زا

متغیرهـای درون‌زا الگوی معادلات همزمـان عبارت‌اند از خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

گزارشگـری مالی. برای اندازه‌گیری خرید اظهارنظر حسابرس از شاخص ترکیبی امیری و فخاری (۱۳۹۹) بهـره گرفتـه شده است. آن‌ها با استفاده از روش ریاضـی و آماری تحلیل ممیزی اقدام بـه تدوین چنین شاخصـی کرده‌اند و نشان دادند که شاخص ترکیبی، برآورد بهتری از معیارهای تـک بُعدی خرید اظهارنظر ارائه می‌کنـد. درنهایت با استفاده از ملاحظـات مفهومی و تئوریکی بـه شناسایی هفت شاخص انفرادی کـه عبارت‌اند از تأخیر غیرمنتظـره ارائه گزارش حسابرسی (مک‌کئـون و همکـاران، ۱۹۹۱؛ چـن و چارچ، ۱۹۹۲؛ گیبینـز و همکـاران،[1] ۲۰۰۱؛ اشتون و همکاران،[2] ۱۹۸۷؛ کارسلاو و کاپلان،[3] ۱۹۹۱؛ بامبر و همکاران،[4] ۱۹۹۳)، تغییر مؤسسه حسابرسی (کریشنـان و همکـاران، ۱۹۹۶[5]؛ چـو و رأس،[6] ۱۹۸۲؛ ناگل،[7] ۱۹۹۶؛ سیتـرون و تافلر،[8] ۱۹۹۲؛ شوارتـز و منـون،[9] ۱۹۸۵؛ مک‌کانـل،[10] ۱۹۸۴ و لینوکـس، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱)، دوره زیاد تصدی مؤسسه حسابرسی (لینوکس، ۲۰۰۰؛ تیـوه، ۱۹۹۲ و دی‌آنجلو،[11] ۱۹۸۱)، تغییر شریک مؤسسه حسابرسـی (گارسیااوسما و همکـاران، ۲۰۱۸؛ چن و همکـاران، ۲۰۱۵) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی (لینوکس، ۲۰۰۰؛ چن و همکاران، ۲۰۰۵؛ فانگ و هانگ،[12] ۲۰۰۸؛ تانگ، ۲۰۱۱ و وو، ۲۰۰۵) بهبـود در اظهارنظر حسابرس (لینوکـس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، کاهش تعداد بندهای مشـروط گزارش حسابرسی نسبت بـه سال قبل (فرت، ۱۹۸۰؛ بـال[13] و همکاران، ۱۹۷۹؛ چو و رأس،۱۹۸۲) اقـدام نمودند و سپس با توجه به شرایط داده‌های مورد انتظار از فن تحلیل ممیزی به‌منظور تعیین ضرایب در تدوین شاخص ترکیبی استفاده کرده‌اند. الگوی ساخت شاخص ترکیبی آنها بر اساس فن تحلیل ممیزی به شرح زیر بوده است:

$$D = V_1X_1 + V_2X_2 + V_3X_3 + \ldots + V_iX_i + A$$

که در آن:

D= تابع تحلیل ممیزی

V_i = وزن هر متغیر در تابع

X_i = متغیرهای توضیحی در تابع

A = مقدار ثابت

i = تعداد متغیرهای توضیحی

1. Gibbins
2. Ashton
3. Carslaw & Kaplan
4. Bamber
5. Krishnan
6.Chow & Rice
7. Nagle
8.Citron, and Taffler
9. Schwartz, and Menon
10. McConnell
11. DeAngelo
12. Fang & Hong
13. Ball

در واقع هدف آنها پیدا کردن یک تابع خطی از شاخص‌های مستقل در تدوین شاخص ترکیبی بوده است. در نهایت شاخص ترکیبی آنها به شرح زیر تدوین شده است (امیری و فخاری، ۱۳۹۹).

(۷)

$$OP_Shopping_{it}_Index_{it} = 0.071 \square OPImprovment_{it} + 0.504 \square QU - Remarks_{it} - 0.357 \square AuditChange_{it} + 0.458 \square Tenure_{it} + 1.032 \square PartnerChange_{it} + 0.178 \square AbnAuditfee_{it} - 0.053 \square Aud \square Report \square Lag_{it}$$

که در آن:

$OP_Shopping_{it}_Index_{it}$ = شاخص ترکیبی خرید اظهارنظر حسابرس

$OPImprovment_{it}$ = بهبود اظهارنظر حسابرس

$QU - Remarks_{it}$ = کاهـش تعداد بندهای مشروط گـزارش حسابرسی نسبت به سال قبل

$AuditChange_{it}$ = تغییر موسسه حسابرسی

$Tenure_{it}$ = دوره بالای تصدی موسسه حسابرسی

$PartnerChange_{it}$ = تغییر شریک موسسه حسابرسی

$AbnAuditfee_{it}$ = حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی

$Aud \square Report \square Lag_{it}$ = تأخیر غیرمنتظره گزارش حسابرسی

می‌باشند.

در رابطه فوق،

شاخـص تصمیم‌گیری برای تشخیص وقوع خرید اظهارنظر برای شرکت‌ها بدین صورت است که ابتدا با وارد کردن داده‌های متغیرها در رابطه فوق، مقدار حاصل از رابطه برای هر سال- شرکت بدسـت آمده است. سپس به‌منظـور طبقه‌بندی شرکت‌ها از لحاظ خریـد اظهارنظر حسابرس و فاقـد خرید اظهارنظر حسابرس از مقدار نقطه بحرانـی ۰/۱۳۵ استفاده شده است. بدین صورت، شرکت‌های که مقدار آنها بیش از عدد فوق باشد، بیانگر شرکت‌های که خرید اظهارنظر حسابرس داشته‌انـد و به آنها عدد یک تعلق گرفته است؛ در غیر این صورت مقادیر پایین‌تر از نقطه بحرانی در رابطـه نشان‌دهنده شرکت‌های که وضعیتی با خرید اظهارنظر حسابرس نداشته‌اند و عدد صفر را اختیار کرده است. در جدول (۱) محدوده اندازه‌گیری خرید اظهارنظر حسابرس ارائه شده است (امیری و فخاری، ۱۳۹۹).

جدول (۱). محدوده‌های شناسایی طبقه‌بندی شرکت‌ها طبق شاخص ترکیبی

محدوده خرید اظهارنظر حسابرس	مقدار بحرانی	محدوده فاقد خرید اظهارنظر حسابرس
$OP_Shopping_{it}_Index > 0.135$	۰/۱۳۵	$OP_Shopping_{it}_Index < 0.135$

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

متغیـر درون‌زای دیگر پژوهش کیفیت گزارشگـری مالی است. مطابق با ادبیات حسابداری و مالـی، تاکنون هیچ اتفاق نظری در خصوص معیارهای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی وجود نـدارد (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰)، و معیارهای متفـاوت انفرادی زیادی برای اندازه‌گیری شاخص کیفیت گزارشگری در ادبیات حسابداری ارائه‌شده است.

در ایـن بـاره، فرانسیس و همکـاران (۲۰۰۵) [1] بر اسـاس ویژگی‌های سـود مبتنی بر ارقام حسابـداری و بازار معیارهای کیفیت گزارشگری مالی را مشخـص می‌کنند. معیارهای مبتنی بر ارقام حسابداری شامل کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود و هموارسازی سود و معیارهای مبتنی بـر بازار شامل محافظه‌کاری، به‌موقع بـودن و رابطه ارزشی سود، می‌باشد. چنین مسئله‌ای نشان می‌دهـد کـه در اندازه‌گیری کیفیت گزارشگـری مالی باید از رویکرد ترکیبـی معیارهای مبتنی بـر ویژگی‌های سود (ارقـام حسابداری و بازار) بهره گرفت؛ تا صحت بـرآورد اندازه‌گیری کیفیت گزارشگـری مالـی دقیق‌تر بیان شود. بسیاری از پژوهشگران هماننـد بیدل و هیلاری (۲۰۰۶) و هوسینل (۲۰۱۷) [2] برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی از شاخص ترکیبی استفاده کرده‌اند. زیـرا، معیار شاخص ترکیبی، خطاهای اندازه‌گیـری و مقادیر شدید ناشی از خطاهای اندازه‌گیری شاخص‌هـای فردی را کاهـش می‌دهد که به‌نوبه خـود اعتبار نتایج را افزایـش می‌دهد. در این پژوهش با توجه به مفاهیم نظری در گزارشگری مالی ایران به‌منظور بهره‌گیری استفاده‌کنندگان از اطلاعـات حسابداری، معیار اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی مطابق با پژوهش‌های پیشین (بیـدل و هیـلاری، ۲۰۰۶، هوسینل، ۲۰۱۷) به‌صـورت ترکیبی در نظر گرفتـه شده است. این شاخـص ترکیبی مبتنی بر معیارهای کیفیت اقلام تعهدی (دیچو و دچو، ۲۰۰۲)، [3] محافظه‌کاری حسابـداری (بیتی و همکـاران، [4] ۲۰۰۸، ژانگ [5] و همکاران، ۲۰۰۸، لویـس [6] و همکاران، ۲۰۱۱)، پایـداری سـود (لوز [7] و همکـاران، ۲۰۰۳)، هموارسـازی سود (فرانسیس و همکـاران، ۲۰۰۵) و رابطـه ارزشی سود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵) است که الگوی متدولوژی ساخت آن بر اساس پژوهش‌های بیدل و هیلاری (۲۰۰۶) و هوسینل (۲۰۱۷) بهره گرفته شده است.

بدیـن ترتیب پس از اندازه‌گیری معیارهای بیان شـده، مقادیری که ارزش آنها بالاتر از میانه است به‌عنوان پراکسی نهایی برای کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است که مقدار یک به آنها تخصیص داده شده است و مقادیر پائین‌تر از میانه به‌عنوان کیفیت پایین گزارشگری مالی در نظـر گرفتـه شده و مقدار صفر به آن تعلق گرفته اسـت. در نهایت پس از تفکیک شرکت‌های بـا کیفیت گزارشگری بالا و پایین، با جمع جبـری مقادیر واقعی پنج معیار فوق شاخص ترکیبی کیفیت گزارشگری مالی به دست آمده است. قدر مسلم، ترکیب پنج معیار فوق به‌صورت شاخص

1. Francis
2. Houcinel
3. Dechow & Dichev
4. Beatty
5. Zhang
6. Louis
7. Leuz

ترکیبی این مزیت را دارد که اثرات خطاهای اندازه‌گیری مربوط به معیارهای انفرادی کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد.

$$FRQ_Index_{it} = Accruals\ quality_{it} + Accounting\ conservatism_{it} + Earnings\ smoothness_{it} + Earnings\ value\ relevance_{it} + Earning\ sustainability_{it} \quad (۸)$$

که در آن:

FRQ_Index_{it} = شاخص ترکیبی کیفیت گزارشگری مالی

$Accruals\ quality_{it}$ = کیفیت اقلام تعهدی

$Accounting\ conservatism_{it}$ = محافظه‌کاری حسابداری

$Earnings\ smoothness_{it}$ = هموارسازی سود

$Earnings\ value\ relevance_{it}$ = رابطه ارزشی سود

$Earning\ sustainability_{it}$ = پایداری سود

کیفیت اقلام تعهدی

از زمان یافته‌های دیچو و دچو (۲۰۰۲) کیفیت اقلام تعهدی مترادف با کیفیت سود تعریف شده است (کاسینو[1] و همکاران، ۲۰۱۰). کیفیت اقلام تعهدی نشان دهنده یک ویژگی برای کیفیت گزارشگری مالی است که بر دقت اطلاعات حسابداری تمرکز دارد. زمینه اصلی استفاده از کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان پروکسی برای کیفیت گزارشگری مالی بر اساس این عقیده استوار است که اقلام تعهدی برآورده کننده جریان‌های نقدی آتی شرکت هستند و اطلاعات مربوط به عملکرد شرکت‌ها را منتقل می‌کنند (سابرمانیام، ۱۹۹۶،[2] دیچو و دچو، ۲۰۰۲). این تعریف از کیفیت اقلام تعهدی مطابق با مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران است که بیان می‌کند یکی از اهداف اطلاعات گزارشگری مالی فراهم کردن اطلاعات مالی عملکرد شرکت‌ها برای ارائه به سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های منطقی و ارزیابی جریان‌های نقدی مورد انتظار شرکت است.

کیفیت اقلام تعهدی مورد استفاده در پژوهش حاضر، مدل تعدیل‌شده دیچو و دچو (۲۰۰۲) است که این معیار مبتنی بر اقلام تعهدی سرمایه در گردش و جریان‌های نقدی عملیاتی سال گذشته، جاری و آتی می‌باشد و علاوه بر آن تغییرات درآمدها و ارزش ناخالص دارایی‌های ثابت را در بردارد.

$$\frac{TACC}{TA_{t-1}} = a_0 + \beta_1 \frac{CFO_{t-1}}{TA_{t-1}} + \beta_2 \frac{CFO_t}{TA_{t-1}} + \beta_3 \frac{CFO_{t+1}}{TA_{t-1}} + \beta_4 \frac{\Delta REV}{TA_{t-1}} + \beta_5 \frac{PPE}{TA_{t-1}} + \varepsilon \quad (۹)$$

1. Cascino
2. Subramanyam

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

TACC = کل اقلام تعهدی جاری است که از رابطه زیر بدست می‌آید:

$$TACC=\Delta CA-\Delta CL-\Delta Cash+\Delta STDEBT \quad (۱۰)$$

ΔCA = تغییر در جمع کل دارایی‌های جاری سال قبل و جدید
ΔCL = تغییر در جمع کل بدهی‌های جاری سال قبل و جدید
$\Delta Cash$ = تغییرات وجه نقد سال جاری با قبل
$\Delta STDEBT$ = تغییرات در حصه جاری بدهی‌های بلندمدت
TA_{t-1} = جمع کل دارایی‌های سال قبل
CFO_{t-1} = جریان وجوه نقد عملیاتی سال قبل
CFO_t = جریان وجوه نقد عملیاتی سال جاری
CFO_{t+1} = جریان وجوه نقد عملیاتی سال بعد
ΔREV = تغییرات درآمد فروش سال قبل و جاری
PPE = ارزش ناخالص دارایی‌های شرکت

در رابطه فوق هرچه اندازه مقادیر خطای مدل کمتر باشد، کیفیت اقلام تعهدی و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی بالاتر خواهد بود. در این پژوهش قرینه انحراف معیار کمتر مقادیر خطاهای مدل، کیفیت گزارشگری مالی را منعکس می‌کند.

محافظه‌کاری حسابداری

محافظه‌کاری حسابداری یکی از بارزترین خصوصیات کیفیت گزارشگری مالی است و یکی از مؤثرترین مفاهیم حسابداری است و جزء ذات ویژگی‌های هر سیستم حسابداری تلقی می‌شود و به‌عنوان واکنشی محتاطانه نسبت به عدم قطعیت‌های آینده عمل می‌کند و زیان‌های تحقیق نیافته را به رسمیت می‌شناسد و شناسایی سودهای آتی را تا زمان وقوع آنها به تأخیر می‌اندازد (باسو، ۱۹۹۷).[1] این شناسایی نامتقارنی سود و زیان منجر به پیامدهای می‌شود که اخبار بد را سریعتر از اخبار خوب منعکس کند و همچنین محافظه‌کاری نقش نظارتی و علامت‌دهی به بازار را فعال‌تر می‌کند و بر تصمیم سرمایه‌گذاری شرکت و سرمایه‌گذاران نقش بسزایی دارد. زیرا، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها متأثر از نقش محافظه‌کاری در حسابداری است که از شدت عدم تقارن اطلاعاتی می‌کاهد. در این پژوهش مطابق با پژوهش‌های بیتی و همکاران (۲۰۰۸)، ژانگ و همکاران (۲۰۰۸) و لویس و همکاران (۲۰۱۱) از اقلام تعهدی غیرعملیاتی به‌عنوان محافظه‌کاری حسابداری برای تعیین کیفیت گزارش مالی بهره گرفته شده است که در رابطه زیر ارائه شده است.

1. Basu

$$NOAC = TAC - OAC \qquad (۱۱)$$

NOAC = اقلام تعهدی غیرعملیاتی

TAC = سود خالص + استهلاک- جریان وجوه نقد عملیاتی که کل دارایی‌های شرکت تقسیم می‌شود.

OAC = تغییرات حسابهای دریافتنی + تغییرات موجودی مواد و کالا + تغییرات پیش‌پرداخت هزینه – تغییرات حساب‌های پرداختنی – تغییرات مالیات پرداختنی که حاصل آن به‌کل دارایی‌های شرکت تقسیم می‌شوند.

سپس اقلام تعهدی غیرعملیاتی را با استفاده از میانگین متحرک دو سال جاری و قبل برای هر مشاهده سال شرکت اندازه‌گیری می‌شود و در نهایت مقدار حاصل در عدد (۱-) ضرب می‌شود تا ارزش‌های مثبت‌تر نشانگر محافظه‌کاری بیشتر باشد.

رابطه ارزشی سود

جریان کاملی از تحقیقات حسابداری (بال و برون، ۱۹۶۸،[1] بیور، ۱۹۶۸،[2] فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵) به رابطه ارزشی سود توجه زیادی دارند و آن را مفیدترین ویژگی مؤثر سودآوری در تصمیم‌گیری می‌دانند. این ویژگی، توانایی سود در تغییرات بازده سهام را توضیح می‌دهد که در آن قدرت توضیحی بیشتر به‌عنوان یک معیار مطلوب تلقی می‌شود و نماینده‌ای از اهمیت و قابلیت اطمینان به گزارشگری اطلاعات مالی به‌حساب می‌آید. به‌گونه‌ای که رابطه ارزشی سود باعث کاهش اطلاعات نامتقارن بین شرکت و تامین‌کنندگان سرمایه خواهد شد و بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر بسزایی می‌گذارد. در رابطه ارزشی سود، بازده سهام به‌عنوان یک علامت با ارزش و اطلاع‌رسان درباره توانایی بازپرداخت به تأمین‌کنندگان سرمایه است، همچنین منعکس‌کننده ارقام حسابداری است که اطلاعات اقتصادی شرکت را مخابره می‌کند و باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد. در این پژوهش مطابق با مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) رابطه ارزشی سود به‌عنوان پراکسی برای کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است. برخلاف مطالعات قبلی که رابطه ارزشی سود را با استفاده از قدرت توضیحی مدل (فرانسیس و همکاران، ۲۰۵) می‌سنجیدند. ولی در این پژوهش، از قدر مطلق خطای باقیمانده مدل پس از برآورد به‌عنوان معیاری برای رابطه ارزشی سود در نظر گرفته شده است (قاسن و سلورن،[3] ۲۰۰۶، جیو،[4] ۲۰۰۷، کاسینو و همکاران، ۲۰۱۰، هوسینل، ۲۰۱۷). سطوح بالاتر قدرمطلق خطای مدل بیانگر پایین‌تر بودن رابطه ارزشی سود است (جیو، ۲۰۰۷). برای سهولت تفسیر مقدار خطای مدل در (۱-) ضرب شده است و در نتیجه هر چه خطای مدل منفی‌تر باشد نشان‌دهنده بالاتر بودن رابطه ارزشی سود است.

1. Ball & Brown
2. Beaver
3. Gassen & Sellhorn
4. Gu

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

$$R_i = {}^2{}_0 + {}^2{}_1 \frac{EPS}{P_{t-1}} + {}^2{}_2 \frac{\Delta EPS}{P_{t-1}} + \varepsilon_{it} \qquad (۱۲)$$

R_i = بازده سهام

EPS = سود پیشنهادی هر سهم

ΔEPS = تغییرات سود پیشنهادی هر سهم

P_{t-1} = قیمت سهم در ابتدای دوره یا پایان سال قبل

هموارسازی سود

هموارســازی سود یکــی از ویژگی‌های سود است که در ادبیــات حسابداری بحث‌های زیادی دربــاره آن وجــود دارد. چراکه دو فرض متضاد در مورد آنچه که مدیران را برای هموارسازی سود انگیــزه می‌دهد وجود دارد. بسیاری از پژوهشگران (لوز و همکــاران، ۲۰۰۳، جارایامان،[1] ۲۰۰۸) استــدلال می‌کنند که مدیران ارقام حسابداری را به‌طور مصنوعی هموارسازی می‌کنند تا عملکرد نامطلوب شرکت را پنهان نگه دارند که این جریان از محتوای اطلاعاتی سود گزارش شده می‌کاهد و عدم تقارن اطلاعاتی را تشدید می‌کند. در مقابل، برخی محققان (سانکار و سابرمانیام،[2] ۲۰۰۱، تاکــر و زارویــن،[3] ۲۰۰۶) هموارسازی سود را به‌عنوان یک ویژگــی مطلوب از سود نگاه می‌کنند، چراکــه بــا افشا کردن یک مؤلفه از ســود علامت مثبتی را روانه بازار می‌کننــد که این از جریان اطلاعــات خصوصی مدیــران در مورد آینده که قیمــت سهام را به ارزش ذاتــی نزدیک می‌کند، می‌کاهــد. در نتیجــه، هموارسازی سود بــر روی تصمیمات استفاده‌کنندگان اثــر زیادی دارد؛ به طوریکــه کیفیت گزارشگــری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ایــن پژوهش برای اندازه‌گیری هموارســازی سود مطابق با پژوهش‌های لوز و همکاران (۲۰۰۳) فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) از رابطه (۱۳) زیر استفاده شده است.

$$ES = \partial(NEI) / \partial(OCF) \qquad (۱۳)$$

ES = هموارسازی سود

$\partial(NEI)$ = = انحراف معیار سود خالص برای سه سال متوالی

$\partial(OCF)$ = انحراف معیار جریان نقد عملیاتی برای سه سال متوالی

مقادیر پایین رابطه فــوق بیانگر درجه بالای سطح هموارسازی سود است. طبق گفته زاروین (۲۰۰۲) بــرای هموارســازی ســود نسبت فــوق باید کمتر از یــک باشد. بنابرایــن مقادیر پایین نشان‌دهنده درجه بیشتر هموارسازی سود است.

1. Jarayaman
2. Sankar & Subramanyam
3. Tucker & Zarowin

پایداری سود

بـرای اندازه‌گیری پایداری سود از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است. در این مدل، الگوی رگرسیونی برای ارزش آتی سودها نسبت به ارزش‌های جاری سودها برآورد شده اسـت که به صـورت رابطه (۱۴) است. در این مدل از ضریب $^{2}{}_{1}$ بـرای اندازه‌گیری پایداری سود استفاده شده است و برازش رگرسیون فوق به‌صورت سری زمانی پنج ساله است.

$$\text{Earnings}_{t+1} = a_0 + {}^{2}{}_{1}\text{Earnings}_t + \varepsilon_t \qquad (۱۴)$$

که در آن:

Earnings_{t+1} = سود آتی

Earnings_t = سود جاری

ε_t = خطای مدل

متغیرهای برون‌زا

متغیرهـای برون‌زا مدل‌ها عبارتنـد از اندازه شرکت، اهرم مالی، رشـد شرکت، زیان شرکت، عمـر شرکت، جریـان وجوه نقد عملیاتـی. شرکت‌های با اندازه کوچک نسبـت به شرکت‌های با اندازه بزرگ، اظهارنظـر تعدیل‌شده بیشتری از حسابرسان دریافت می‌کنند (مونر و تیه، ۱۹۹۳،[1] کریشنـان، ۱۹۹۴) و بـه احتمال بیشتری حسابرسـان خود را تغییر می‌دهنـد و احتمال خرید اظهارنظـر حسابرس در آنها زیاد اسـت (لینوکس، ۲۰۰۰). بنابرایـن، پیش‌بینی می‌شود ارتباط معکوسی بین اندازه شرکت و خرید اظهارنظر وجود داشته باشد. مطابق با دیدگاه انگیزه اطلاعاتی، انتظار می‌رود که ارتباط بین رشد شرکت و خرید اظهارنظر حسابرس متفاوت باشد. چون رشد کم شرکت‌هـا می‌تواند نشانه‌ای از ضعیف بودن سلامت مالی باشد و علامت منفی برای ادامه فعالیت شرکت‌هـا تلقـی شود؛ به نظر می‌رسد شرکت‌هـای که رشد آنها با سرعت زیـاد کاهش می‌یابد، احتمالاً به‌منظـور پنهان ساختن چنین مسئله‌ای، حسابرسشان را در مقایسه با شرکت‌های که با نـرخ ثابت رشد می‌کنند، تغییر می‌دهند (بیتی و فیرنلی، ۱۹۹۵).[2] بعبارتی دیگر، خرید اظهارنظر حسابرس در چنین شرکت‌های محتمل است.

زیان شرکت به‌منظور تجزیه و تحلیل عملیاتی شرکت‌ها در مدل گنجانده شده است. بسیاری از پژوهش‌ها (رینولدز [3]و فرانسیس، ۲۰۰۱، دی فوند و همکاران، ۲۰۰۲) نشان دادند هنگامی که شرکت‌ها با وضعیت عملیاتی زیان مواجـه هستند، احتمالاً، گزارش حسابرسی نامطلوبی دریافت می‌کند. در این باره منون و شوارتز (۱۹۸۵) دریافتند شرکت‌های که عملکرد مالی (زیان) مطلوبی ندارنـد، احتمالاً حسابرسـان را تغییر می‌دهند که به نتایج گزارشگـری مطلوب دست یابند. این نتیجه‌گیـری مطابق با این استدلال است کـه خرید اظهارنظر حسابرس در شرکت‌های زیان‌دیده

1. Monroe & Teh
2. Beattie & Fearnley
3. Reynolds

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

بیشتر است (تانگ، ۲۰۱۱). بسیاری از مطالعات همانند لینوکس (۲۰۰۰) نشان دادند حسابرسان بـه هنگام برخورد بـا ناتوانی شرکت در پرداخـت اصل و بهره، شرایـط را در گزارش حسابرسی به‌صورت بندهـای شرط گزارش می‌کنند. چنین مسئله‌ای به‌صـورت فرصت‌طلبانه (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکاران، ۲۰۱۸) به مدیران اجازه می‌دهد که از طریق بهبود در اظهارنظر حسابرس، میزان ناتوانی در پرداخت بدهی اصل و بهره را پنهان نگه دارند. انتظار می‌رود که بین اهـرم مالی و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه مثبت وجـود داشته باشد. بر مبنای شواهد تجربی پیشین شرکت‌های مسن‌تر که شرکت‌هـای باتجربه در صنعت مربوطه هستند؛ احتمالاً اطلاعات بیشتـری را افشـاء و در اختیار استفاده‌کنندگان قـرار می‌دهند و بالعکـس شرکت‌های جوان‌تر به‌منظـور برطرفی شکاکیت و رفع نگرانی‌هـای سرمایه‌گذاران اطلاعات مفیدی را افشاء می‌کنند؛ چنیـن شرکت‌های به‌منظور ماندگاری در بازار نیاز است که وضعیت اظهارنظر گزارش حسابرسی مطلـوب باشـد (السعید، ۲۰۰۶).[1] در نهایت، جریان وجوه نقـد عملیاتی معیار بااهمیتی است که حسابرسان توجه خاصی به آن دارد. زیرا، جریان وجوه نقد عملیاتی منفی بر تداوم فعالیت شرکت تأثیر بسزایی دارد که احتمال صدور اظهارنظر تعدیل شده گزارش حسابرسان را بیشتر می‌کند و زمینه خرید اظهارنظر حسابرس، بیشتر محتمل می‌شود (لینوکس، ۲۰۰۲).

جدول ۲. تعاریف عملیاتی متغیرهای برون‌زا

متغیر	تعاریف عملیاتی
اندازه شرکت	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران،۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۸، گارسیااوسما و همکاران، ۲۰۱۸).
اهرم مالی	از تقسیم کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران،۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۸، گارسیااوسما و همکاران، ۲۰۱۸).
رشد شرکت	(تفاوت فروش سال جاری با سال قبل) به سال قبل (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران، ۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۸).
زیان شرکت	اگر شرکت در طی سال زیان کرده باشد عدد یک به آن تعلق می‌گیرد، در غیر این صورت عدد صفر اختیار می‌کند. (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران،۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۵، گارسیااوسما و همکاران، ۲۰۱۸).
عمر شرکت	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران (چن و همکاران، ۲۰۱۸).
جریان وجوه نقد عملیاتی	از صورت جریان وجوه نقد استخراج شده و به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال همگن شده است (چن و همکاران، ۲۰۱۸).

1. Alsaeed

یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی

جدول (۳)، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش را نشان می‌دهد. مقادیر حداکثر و حداقل اندازه شرکت نشان می‌دهد که جامعه غربالگری شده از تنوع اندازه مناسبی برخوردار است. مقدار میانگین اهرم مالی حاکی از این است که بیش از ۵۹٪ دارایی‌های شرکت از محل بدهی تأمین مالی شده‌اند. مقدار متوسط رشد شرکت نشان می‌دهد شرکت‌ها از نظر ریالی رشد مناسبی داشته‌اند. همچنین مقدار متوسط جریان وجوه نقد عملیاتی بیانگر این است که حدود ۱۱٪ از وجوه نقد شرکت حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت بوده است. همچنین میانگین معیار ترکیبی کیفیت گزارشگری نشان‌دهنده محتوای اطلاعاتی هستند که بر اساس داده‌های مبتنی بر ارقام حسابداری و بازار بدست آمده است.

جدول ۳. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	تعداد مشاهدات
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۷۷۶	۰/۶۸۳	۰/۵۴۷	۴/۴۳۰	۰	۱۰۱۶
اندازه شرکت	۱۴/۱۳۲	۱۴/۰۴۸	۱/۴۸۸	۱۹/۳۱۳	۱۰/۱۶۶	۱۰۱۶
اهرم مالی	۰/۵۹۴	۰/۶۰۶	۰/۲۰۹	۱/۹۳۷	۰/۰۶۱	۱۰۱۶
رشد شرکت	۰/۲۴۴	۰/۱۷۶	۰/۴۸۳	۶/۵۵۵	-۰/۸۲۵	۱۰۱۶
عمر شرکت	۳/۵۹۴	۳/۶۹۰	۰/۳۵۸	۴/۲۰۰	۲/۴۸۰	۱۰۱۶
جریان وجوه نقد عملیاتی	۰/۱۱۵	۰/۰۹۷	۰/۱۲۹	۰/۶۴۲	۰/۱۲۹	۱۰۱۶

جدول (۴) نتایج آمار توصیفی حاصل از متغیرهای گسسته را نشان می‌دهد. در نمونه مورد بررسی ۴۳٪ از شرکت‌ها خرید اظهارنظر حسابرس داشته‌اند و ۱۳٪ از شرکت‌ها زیان‌دیده بودند.

جدول ۴. نتایج آمار توصیفی متغیرهای گسسته

متغیرها	فراوانی		درصد		تعداد مشاهدات
	یک	صفر	یک	صفر	
خرید اظهارنظر حسابرس	۴۴۳	۵۷۳	٪۴۳	٪۵۷	۱۰۱۶
زیان شرکت	۱۲۹	۸۸۷	٪۱۳	٪۸۷	۱۰۱۶

انتخاب الگوی مناسب برای معادلات همزمان

جدول (۵)، نتایج شرط درجه‌ای، معادلات همزمان را نشان داده است. نتایج حاصل شده

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

بیانگر این است که معادله بیش مشخص است و حداقل یک جواب قابل قبول برای حل معادلات وجود دارد. بنابراین، می‌توان از سه روش رگرسیونی متداول (حداقل مربعات معمولی دومرحله‌ای، حداقل مربعات معمولی سه مرحله‌ای، رگرسیون به‌ظاهر نامرتبط) استفاده کرد. اما از آنجایی که بکارگیری روش رگرسیونی به‌ظاهر نامرتبط، نیازمند آزمون وجود همبستگی همزمان بین اجرا خطای معادلات می‌باشد. باید قبل از بکارگیری نهایی روش‌ها از این موضوع مطلع شد. لذا با روش رگرسیونی دومرحله‌ای مدل اولیه برآورد شده و پس از آن تصمیم‌گیری برای برآورد مدل نهایی انجام خواهد شد. نتایج ارائه شده حاصل از آزمون براش پاگان در جدول (۶) نشان می‌دهد که مقدار کای-دو برابر با ۰/۱۴۵ و در سطح خطای آماری ۵٪ معنادار است. بنابراین الگوی حاکم برای برآورد معادلات همزمان روش رگرسیونی حداقل مربعات دومرحله‌ای با رویکرد SUR[1] یا همان رگرسیون به‌ظاهر نامرتبط است.

جدول ۵. نتایج آزمون تشخیص و انتخاب رویکرد برآورد مدل در الگوی معادلات همزمان

تشخیص	انتخاب رویکرد	m-1	K-k	M	K	K	مدل
K-k< m-1	بیش	۰	۱	۱	۵	۶	(۵)
K-k< m-1	بیش	۰	۲	۱	۴	۶	(۶)

جدول ۶. نتایج آزمون بروش پاگان

انتخاب روش	سطح معناداری	مقدار	آزمون
حداقل مربعات دو مرحله‌ای با رویکرد SUR	۰/۰۰۵	Chi2 (۷/۵۸۲)	براش پاگان

نتایج آزمون فرضیه‌ها

در جدول (۷)، تخمین حاصل از برآورد الگوی معادلات همزمان برای فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.

1. Seemingly Unrelated Regression

جدول ۷. نتایج برآورد الگوی معادلات همزمان

$$OP_Shopping_{it} = {}^{2}{}_{0} + {}^{2}{}_{1}FRQ_{it} + {}^{2}{}_{2}Size_{it} + {}^{2}{}_{3}LEV_{it} + {}^{2}{}_{4}LOSS_{it} + {}^{2}{}_{5}Growth_{it} + {}^{2}{}_{6}CFO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۵)$$

$$FRQ_{it} = {}^{2}{}_{0} + {}^{2}{}_{1}OP_Shopping_{it} + {}^{2}{}_{2}Size_{it} + {}^{2}{}_{3}LEV_{it} + {}^{2}{}_{4}Growth_{it} + {}^{2}{}_{5}AGE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۶)$$

معادلات	تعداد مشاهدات	پارامترها	ضریب تعیین	Chi۲	P
$OP_Shopping_{it}$	۱۰۱۶	۶	۰/۰۵	۸۵/۱۱	۰/۰۰۰
FRQ_{it}.	۱۰۱۶	۵	۰/۰۲	۵۳/۳۲	۰/۰۰۰
	.Coef	z	z|< p |		
$OP_Shopping_{it}$					
FRQ_{it}.	-۰/۱۴۸	-۵/۲۸	۰/۰۰۰		
$Size_{it}$	۰/۰۷۳	۷/۰۲	۰/۰۰۰		
LEV_{it}	-۰/۰۲۰	-۰/۲۶	۰/۷۹۵		
$LOSS_{it}$	۰/۰۳۹	۰/۸۰	۰/۴۲۳		
$Growth_{it}$	۰/۰۴۶	۱/۴۷	۰/۱۴۱		
CFO_{it}	-۰/۲۲۱	-۱/۸۱	۰/۰۷۰		
cons	-۰/۴۵۹	-۳/۱۱	۰/۰۰۲		
FRQ_{it}					
$OP_Shopping_{it}$	-۰/۱۹۱	-۵/۴۹	۰/۰۰۰		
$Size_{it}$	۰/۰۱۰	۰/۸۵	۰/۳۹۴		
LEV_{it}	۰/۲۹۵	۳/۶۱	۰/۰۰۰		
$Growth_{it}$	-۰/۰۶۶	-۱/۸۹	۰/۰۵۹		
AGE_{it}	-۰/۰۸۱	-۱/۷۲	۰/۰۸۵		
cons	۰/۸۵۱	۳/۸۴	۰/۰۰۰		

نتایج بدست آمده از مدل (۵) نشان می‌دهد که مقدار ضریب و آماره t کیفیت گزارشگری مالی برابر با ۰/۱۴۸- و ۵/۲۸- است و در سطح خطای آماری ۵٪ معنادار است. نتایج بدست آمده حاکی از این است که کیفیت بالای گزارشگری مالی باعث کاهش خرید اظهارنظر حسابرس می‌شود.

همچنین نتایج حاصل در مدل (۶) حاکی از این است که مقدار ضریب و آماره t خرید

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

اظهارنظر حسابرس برابر با ۰/۱۹۱- و ۵/۴۹- می‌باشد. این یافته بدست آمده نشان می‌دهد که خرید اظهارنظر حسابرس باعث کاهش کیفیت گزارشگری مالی در سطح خطای آماری ۵٪ می‌شود. بنابراین، با توجه به یافته‌های بدست آمده از دو مدل (۵) و (۶) در الگوی معادلات همزمان استدلال می‌شود که اثر دوسویه معکوس و معنادار بین خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. بنابراین، فرضیه‌های اول و دوم پژوهش در سطح خطای آماری ۵٪ پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش مطابق با نظریه‌ها و تئوری‌های موجود اثر متقابل بین خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی با الگوی معادلات همزمان مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که اثر متقابل و دوسویه‌ای معکوس و معناداری میان خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. این نتایج بیانگر این مطلب است، هنگامی‌که شرکت‌ها به فعالیت متقلبانه خرید اظهارنظر حسابرس روی می‌آورند بلافاصله کیفیت گزارشگری صورت‌های مالی آنها کاهش پیدا می‌کند و شدت عدم تقارن اطلاعاتی از شرکت در بازار بیشتر می‌شود. در مقابل کیفیت ضعیف گزارشگری مالی نیز باعث می‌شود که مدیران در پی اخذ اظهارنظر مطلوب حسابرس باشند. یافته‌های بدست آمده برحسب تئوری نمایندگی و دیدگاه عدم‌تقارن اطلاعاتی قابل استدلال است. به نظر می‌رسد در محیط بازار حسابرسی ایران به دلیل وجود الزامات قانونی برای حسابرسی، مدیران تلاش بی‌حد و حصری را انجام می‌دهند که نتایج وضعیت گزارشگری مالی جهت قرائت در مجمع عمومی و افشای آن جهت تصمیمات سرمایه‌گذاران مطلوب باشد. بنابراین، هنگامی‌که مدیران شرکت‌ها اهداف عملیاتی و محیطی خود را در گزارشگری مالی از طریق حسابرسان فعلی نبینند در تدارک جستجوی موسسه‌های حسابرسی هستند که از رویه‌های فعلی گزارشگری پشتیبانی نماید. بعبارتی دیگر به دنبال بهبود در اظهارنظر حسابرس هستند. مطابق با دیدگاه عدم‌تقارن اطلاعاتی، مدیران سعی دارند با اهرمی همچون حسابرس عدم‌تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران در بازار را تشدید کنند و وضعیت نامطلوب گزارشگری مالی را مخفی نمایند تا به اهداف و موضع خویش دست یابند.

همچنین، یافته‌های به دست آمده با رویکردهای نظری فرصت‌طلبانه و محافظه‌کارانه درباره وقوع خرید اظهارنظر حسابرس قابل استدلال است. به نظر می‌رسد مدیران شرکت‌های بورسی با توجه به الزامات قانونی برای حسابرسی به دنبال موسسه‌های حسابرسی هستند که کیفیت حسابرسی پایینی داشته باشند تا با نارسائی‌های فعلی موجود در سیستم حسابداری صاحبکار مخالفتی نداشته باشند. این رویکرد فرصت‌طلبانه مدیر باعث خواهد شد به اهداف گزارشگری مالی خود دست یابد و پاداشی مناسبی دریافت نماید. در خصوص رویکرد محافظه‌کارانه همچنین استدلال می‌شود که به دلیل وجود تعداد زیادی از مؤسسات حسابرسی خصوصی کوچک و ناشناخته در محیط بازار حسابرسی ایران، شرایطی را فراهم کرده است که مدیران در جستجوی

حسابرسانــی باشند که نسبت به رویکــرد گزارشگری محافظه‌کارانه اعتنایــی نداشته باشند و از روش‌های نامطلوب فعلی مدیران پشتیانی کنند. چنین نتایجی حاصل از خرید اظهارنظر حسابرس باعث کاهش اعتباردهی کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی خواهد شد و استفاده‌کنندگان ضررهای زیــادی را متحمل خواهند شد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های دویدسون و همکاران (۲۰۰۵) و چــن و همکــاران (۲۰۱۸) هم عقاید است مبنی بر ایــن تحلیل که رویکردهای نظری فرصت‌طلبانــه و محافظه‌کارانــه شرایط خرید اظهارنظر حسابرس را بــه وجود می‌آورند و احتمال خطای نوع دوم حسابرسی بسیار زیاد است و بالتبع کیفیت صورت‌های مالی کاهش پیدا می‌کند.

یافته‌های این پژوهش چندین دستاورد و ارزش افزوده علمی برای استفاده‌کنندگان دارد:

جنبــه اول، مربوط به اثرات اقتصــادی خرید اظهارنظر حسابرس به روی کیفیت گزارش‌های مالی حسابرسی شده است که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان می‌توانند با اطمینان بیشتــر از تخصیــص بهینه منابع خود آگاه شــده و از اتلاف منابع سرمایــه و از بین رفتن ثروت جلوگیری شود. بعبارتی دیگر، ذینفعان را در خصوص وضعیت فعلی و آتی شرکت یاری می‌کند.

جنبــه دوم، مربوط به حوزه اجتماعی است کــه افزایش اعتماد جامعه به حرفه حسابرسی در خصــوص اعتباردهی بــه کیفیت صورت‌های مالی که بر اثر خریــد اظهارنظر حسابرس خدشه‌دار می‌شــود، کم شود که در نهایت باعث عدم رشــد و توسعه جایگاه حرفه حسابرسی کنونی خواهد شد.

جنبه سوم، مربوط به حوزه سیاسی است که موجب افزایش سیاست‌های دولت و قانون‌گذاران در تصویب مقررات و قوانینی شود که میزان پایبندی حسابرسان به قانون‌گرایی، شفافیت، نظم و انضباط و پاسخگوئی و حسابدهی را بیشتر نماید و اعتماد عمومی بیشتر راجع به حرفه حسابرسی را به دنبال داشته باشد.

جنبــه چهارم، نتایج این پژوهش به عنوان ابزاری برای نظارت و ارزیابی جهت کنترل کیفیت موسسه‌های عضو جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی و برای شرکت‌ها دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کشور مفید واقع شود.

جنبــه پنجم، نتایج این پژوهش می‌تواند در پروژه‌هــای تجدید نظر استانداردهای حسابرسی شماره‌های (۱)، (۲۲۰)، (۷۰۰)، (۷۰۵) و (۷۰۶) مفید واقع شود.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. افلاطونــی، عباس. (۱۳۹۷). اقتصاد سنجی در پژوهش‌های مالی و حسابــداری با نرم‌افزار Eviews. انتشارات ترمه.

۲. آقایی، محمدعلی، بابایی، ساسان. (۱۳۹۲). رابطه بین تعدیل اظهارنظر حسابرس و زمان‌بندی افشای اطلاعات، مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۱۱(۴۲)، ۱-۲۹.

۳. امیــری، اسماعیل، فخاری، حسیــن. (۱۳۹۹). شاخص ترکیبی برای خرید اظهارنظــر حسابرس مبتنی بر فن تحلیل ممیزی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۷ (۱)، ۱-۳۱.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

۴. پیـری، پرویز، دیدار، حمزه، دانشیار، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسـی رابطه کیفیت گزارشگری مالی با نوع اظهارنظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی. ۳(۲)، ۴۷-۷۴.

۵. حاجیهـا، زهـره، ابراهیمی، محمدرضا. (۱۳۹۵). بهبود در اظهارنظر حسابـرس و اثرات آن بر تغییرات قیمت و حجم معاملات سهام، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۳۰(۸)، ۶۱-۸۱.

۶. خـدادادی، ولی، ویسی، سجاد، نیک کار، جواد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تغییرات اظهارنظر حسابرس بر به موقع بـودن افشـا در شرکت‌های پذیرفته شده در بـورس اوراق بهادار تهران، تحقیقـات حسابداری و حسابرسی. ۸ (۳۰)، ۷۰-۸۷.

۷. سوری، علی. (۱۳۹۰). اقتصاد سنجی همراه با کاربرد Eviews۷. انتشارات فرهنگ شناسی، چاپ پنجم.

۸. صفـرزاده، محمدحسیـن، بیگ‌پناه بهـزاد. (۱۳۹۵). بهبـود در اظهارنظر حسابرس مستقل و بـه موقع بودن گزارش‌های مالی سالانه، مجله پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱(۸)، ۹۳-۱۱۴.

ب- منابع خارجی:

1. Alsaeed.K. (2006). The Association between Firm specific Characteristics and Disclosure: The case of Saudi Arabia", Managerial Auditing Journal, 21(5), 476-496.
2. Amihud. Y, Mendelson.H. (1986). Asset Pricing and the Bid-Ask Spread. Journal of Financial Economics 17(2), 223-249.
3. Ashton. R. H, Willingham. P.R, Elliot R.K. (1987). An empirical analysis of audit delay, Journal of Accounting Research, 25(2). 275-292.
4. Bagherpour, M., Monroe, G., & Shailer, G. (2010). Auditor Switching in an Increasingly Competitive Audit Market. Working papers.
5. Ball, R. Brown, P. (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers", Journal of Accounting Research, 6 (2), 159-178.
6. Ball, R, Shivakumar. L. (2005). Earnings Quality in U.K. Private Firms. Journal of Accounting and Economics, 39 (1), 83-128.
7. Ball, R., Walker, R.G., Whittred, G.P. (1979). Audit Qualifications and Share Prices. Abacus, 15 (1), 23-34.
8. Barbadillo. E, Aguilar.Nieves, López. E.B. (2006). Long-term audit engagements and opinion shopping: Spanish evidence, Accounting Forum. 30(1), 61-79.
9. Basu, S. (1997), "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings, Journal of Accounting and Economics, 24 (1),3-37.
10. Beatty, A., Weber, J. and Yu, J. (2008). Conservatism and Debt, Journal of Accounting and Economics, 45 (2-3), 154-174.
11. Beattie. V., Fearnley, S. (1995). The importance of audit firm characteristics and the drivers of auditor change in UK listed companies. Accounting and Business Research 25, 227-239.
12. Bamber. E.M., Bamber, L.S. and Schoderbek, M. P. (1993). Audit structure and other determinants of audit report lag: an empirical analysis, Auditing, A Journal of Practice and Theory, 12(1), 1-23.
13. Beaver. W. (1968). The information content of annual earnings announcements, Journal of Accounting Research, 6, 67-92.
14. Berger, A, Udell, G. (1998). The economics of small business finance: the roles of private equity and debt markets in the financial growth cycle. Journal of Banking and Finance, 22(6-8), 613–673.
15. Biddle. G. Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment.",The Accounting Review, 81 (5), 963.–982.
16. Bushman. R. M, Smith, A. J. (2001). Financial Accounting Information and corporate governance. Journal of Accounting Economics 32(1-3), 237- 333.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

17. Cascino, S., Pugliese, A., Mussolino, D. and Sansone, C. (2010). The Influence of Family Ownership on the Quality of Accounting Information, Family Business Review, 23 (3), 246- 265.
18. Carslaw, C. A. P. N., & Kaplan, S. E. (1991). An Examination of Audit Delay: Further Evidence from New Zealand. Accounting and Business Research, 22(85), 21–32
19. Chen, Feng and Francis, Jere R. and Hou, Yu. (2018). Opinion Shopping through Same-Firm Audit Office Switches. Available at ssrn.
20. Chen, Feng & Peng, Songlan & Xue, Shuang & Yang, Zhifeng & Ye, Feiteng. (2015). Do Audit Clients Successfully Engage in Opinion Shopping? Partner-Level Evidence. Journal of Accounting Research, 54(1), 79-112.
21. Chen, C. J. P., Su, X., Wu, X. (2005). Abnormal audit fees and the improvement of unfavorable audit opinion, China Accounting and Finance Review,7, 1-28.
22. Chen. F, Francis, Jere R. and Hou, Yu.. (2018). Opinion Shopping through Same-Firm Audit Office Switches, Available at ssrn.
23. Chen, K. C., Church, B. K. (1996). Going concern opinions and the market's reaction to bankruptcy filings", The Accounting Review, 71, 117-128.
24. Chow, C. W., and S. J. Rice. (1982). Qualified audit opinions and auditor switching, The Accounting Review, 57 (2): 326-335.
25. Citron, D.B, Taffler, R.J. (1992). The audit report under going concern uncertainties: An empirical analysis, Accounting and Business Research, 22(88), 337-345.
26. Choi, J. H., H. Chung, C. H. Sonu, and Y. Zang. (2016). Opinion shopping to avoid going concern audit opinions and subsequent audit quality, Working Paper, Seoul National University.
27. Davidson, W.N., Jiraporn, P. and DaDalt, P. (2006). Causes and consequences of audit shopping: An analysis of auditor opinions, earnings management and auditor changes, Quarterly Journalof Business and Economics, 45(1&2), 69-87.
28. DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. Journal of Accounting and Economics, 3(3), 183–199.
29. DeAndrés, J., Cabal, E., and Fernández, C. (2007). Efectos económicos de las calificaciones de auditoría. Factores determinantes de las reacciones del mercado ante las salvedades", Spanish Journal of Finance and Accounting, 36 (133), 73-96.
30. Dechow, P. and Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: the role of accrual estimation errors, The Accounting Review, 77, 35-59.
31. Dechow, P., Ge, W. and Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences", Journal of Accounting and Economics, 50 (2-3), 344-401.
32. DeFond, M.L., and Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research, Journal of Accounting and Economics, 58 (2-3), 275-326.
33. DeFond, M. L., Raghunandan, K., Subramanyam, K. R. (2002). Do non-audit service fees impair auditor independence? Evidence from going concern audit opinions. Journal of Accounting Research, 40 (4), 1247-1274.
34. Diamond D. and R. Verrecchia. (1991). Disclosure, Liquidity, and the Cost of Capital. The Journal of Finance, 46(4), 1325¯1359.
35. Easley, D, O'Hara, M. (2004). Information and the cost of capital, Journal of Finance, 59(4), 1553-1583.
36. Fang, J. X., Hong, J. Q. (2008). Abnormal audit fees and their damage to audit quality, China Accounting Review, 6, 425-442.
37. Firth, M. (1980). A note on the impact of audit qualifications on lending and credit decisions, Journal of Banking and Finance, 4(3), 257-267.
38. Francis, J., LaFond, R., Olsson, P.M. and Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality, Journal of Accounting and Economics, 39 (2), 295-327.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]

39. Fleak, S. K., Wilson, E. R. (1994). The incremental information content of the going concern audit opinion, Journal of Accounting, Auditing and Finance, 9(1), 149-166.
40. Garcia Osma. B,Gill. D. A. N. B, de las Heras, Elena and Rusanescu. S. (2018). Opinion-Shopping: Firm versus Partner-Level Evidence, Available at ssrn.
41. Gassen, J. Sellhorn, T. (2006). Applying IFRS in Germany: Determinants and Consequences, Business Research and Practice, 58 (4), 365-386.
42. Gibbins, M., S. Salterio, and A. Webb. (2001). Evidence about auditor-client management negotiation concerning client's financial reporting, Journal of Accounting Research, 39 (3), 535-563.
43. Goh. L, Gupta. A. (2010).Aditi, Executive Compensation, Compensation Consultants, and Shopping for Opinion: Evidence from the UK Journal of Accounting, Auditing and Finance, 25(4), 607-643.
44. Glosten, L. and Milgrom, P. (1985). Bid-ask, and Transaction Prices in a Specialist Market with Heterogeneously Informed Traders, Journal of Financial Economics, 14 (1), 71-100.
45. Gu, Z. (2007). Across-sample Incomparability of R2s and Additional Evidence on Value Relevance Changes Over Time, Journal of Business Finance and Accounting, 34 (7-8),1073–1098.
46. Guidry, F., A. J. Leone, and S. Rock. (1999). Earnings-based bonus plans and earnings management by business-unit managers. Journal of Accounting and Economics 26(1-3), 113- 142.
47. Healy, P. M. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. Journal of Accounting and Economics, 7(1-3): 85-107.
48. Healy, P. and Palepu, K, (2001). Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets: a Review of the Empirical Disclosure Literature, Journal of Accounting And Economics, 31 (1-3), 405-440.
49. Holmstrom, B. and Tirole, J. (1993). Market Liquidity and Performance Monitoring", Journal of Political Economy, 101 (4), 678-709.
50. Houcinel. A. (2017). The Effect of Financial Reporting Quality on Corporate Investment Efficiency: Evidence from the Tunisian Stock Market. Research in International Business and Finance. 42. 321-337
51. Jarayaman, S. (2008). Earnings volatility, cash flow volatility, and informed trading, Journal of Accounting Research,46(4), 809-851.
52. Krishnan, J. (1994). Auditor switching and conservatism, The Accounting Review, 69 (1), 200-215.
53. Krishnan, J., J. Krishnan, and R. Stephens. (1996). The simultaneous relation between auditor switching and audit opinion: An empirical analysis. Accounting and Business Research 26, 224-236.
54. Lu.T. (2006). Does opinion shopping impair auditor independence and audit quality?, Journal of Accounting Research, 44(3), 561-583.
55. Leuz, C., Nanda, D, Wysocki, P.D. (2003), "Earnings management and investor protection: an international comparison.",Journal of Financial Economics, 69, 505-527.
56. Lennox, C. (1998). Audit quality and auditor switching: Some lessons for policy makers, Available at ssrn.
57. Lennox, C. (2000). Do companies successfully engage in opinion shopping? Evidence from the UK, Journal of Accounting and Economics, 29 (3), 321-337.
58. Lennox, C. (2002). Opinion shopping and audit committees, Unpublished manuscript.
59. Lennox, C. (2003). Opinion-shopping and the role of audit committees when audit firms are dismissed: The US experience. The Institute of Chartered Accountants of Scotland, Bell and Bain Ltd, Glasgow, UK.
60. Louwers, T. (1998). The relation between going-concern opinions and the auditor's loss function. Journal of Accounting Research, 36(1), 143-156.

61. Louis, Henock & Sun, Amy & Urcan, Oktay. (2011). Value of Cash Holdings and Accounting Conservatism. Contemporary Accounting Research. 29(4), 1249-1271.
62. McKeown, J., Mutchler, J., and Hopwood, W. (1991). Towards an explanation of auditorfailure to modify the audit opinions of bankrupt companies, Auditing: A Journal of Practice and Theory, 10, 1-13.
63. McConnell, D.K. (1984). Auditor changes and related disagreements. Auditing: A Journal of Practice & Theory, 3 (2), 44-56.
64. Menon, K., Schwartz, K. (1985). Auditor switches by failing firms. The Accounting Review 60, 248-61.
65. Monroe, G., Teh, S. (1993). Predicting uncertainty audit qualications in Australia using publicly available information. Accounting and Finance 33, 79-106.
66. Nagle, B. (1996). Audit report modifications and auditor switches. Accounting Enquiries, 5(2), 171-202.
67. Newton, N. J., J. S. Persellin, D. Wang, and M. S. Wilkins. (2016). Internal control opinion shopping and audit market competition. The Accounting Review, forthcoming. 91(2), 603-623.
68. PCAOB. (2013). Improving the transparency of audits: Proposed amendments to PCAOB auditing standards to provide disclosure in the auditor's report of certain participants in the audit. PCAOB Release 2013-009.
69. Reynolds. J. K., Francis, J.R. (2001). Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions. Journal of Accounting and Economics, 30 (3), 375-400.
70. Sankar, M. K. Subramanyam. R. (2001). Reporting discretion and private information communication through earnings", Journal of Accounting Research, 39 (2), 365–386.
71. Securities and Exchange Commission. (1988). Disclosure Amendments to Regulation S-K, Form 8-K and Schedule 14A regarding changes in accountants and potential opinion shopping situations.
72. Schwartz, K.B. and K. Menon. (1985). Auditor switches by failing firms. The Accounting Review 60 (20): 248-261.
73. Subramanyam, K.R. (1996). The pricing of discretionary accruals, Journal of Accounting and Economics 22(1-3), 249-281.
74. Taffler, R., Lu, J., and Kausar, A. (2004). In denial? Stock market under reaction to going-concern audit report disclosures, Journal of Accounting and Economics, 38(1-3), 263-296.
75. Tang. Y. (2011). Audit fees, motivation of avoiding loss and opinion shopping, China Finance Review International, 1(3), 241 – 261.
76. Teoh, S. H. (1992). Auditor independence, dismissal threats, and the market reaction to auditor switches, Journal of Accounting Research, 30(1), 1–23.
77. Tucker, J.W. and Zarowin, P.A. (2006). Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness?,The Accounting Review, 81(1), 251-270.
78. Xie. Z, Cai. C, Ye. J. (2010). Abnormal Audit Fees and Audit Opinion – Further Evidence from China's Capital Market. China Journal of Accounting Research. 3(10), 51-70.
79. Watts. R. L. (2003). Conservatism in Accounting: Part I: Explanations and Implications",Accounting Horizons, 17 (3), 207-221.
80. Wu, L.S. and Tan, L. (2005). Decision of auditor change and the improvement of unfavorable audit opinion, Audit Research, 2, 34-40.
81. Zarowin, P. (2002). Does Income Smoothing Make Stock Prices More Informative, working papers, Stern School of Business, New York University, New York, June.
82. Zhang, J. (2008). The Contracting Benefits of Accounting Conservatism to Lenders and Borrowers, Journal of Accounting and Economics, 45, 27-54.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.2.7]